گفت‌وگوی «نامهٔ مردم» با نمایندهٔ رهبریِ حزب کمونیست سودان

سودان: در آستانهٔ تحول‌های پردامنهٔ سیاسی

بحران آفرینی رژیم دیکتاتوری حاکم در سودان در آغاز سال جدید میلادی، ابعادی تازه یافته است. ارتکاب جنایات جنگی در "دارفور" از سوی عوامل حکومتی به‌کشتار دهها نفر و نابودیِ روستاها و آوارگیِ هزاران تن انجامیده است. سلبِ آزادی‌ها و به‌خصوص سلبِ آزادیِ مطبوعات که در روز اول ژانویه با جلوگیری از انتشار نشریهٔ "المیدان" و مصادرهٔ نسخه‌های چاپ‌شدهٔ سه شمارهٔ متوالی آن آغاز گردید، با وارد کردنِ اتهام‌های سنگین سیاسی مبنی بر به‌خطر انداختن امنیت کشور به رفیق" مدیحه عبدالله‌الان"، سردبیر این نشریه، که او را باخطر مجازات اعدام روبه‌رو کرده است، ادامه یافت. درخواست سیستم امنیتی رژیم دیکتاتوری برای انحلال حزب "الامه" (امت) و محاکمهٔ رهبر آن(صادق المهدی) با اتهام‌هایی که به مجازات اعدام منجر می‌شوند، همراه با سیاست‌های خصوصی‌سازی و غارت اموال عمومی و تعدیل قانون اساسی برای تمدید زمانیِ غیرمحدود ریاست جمهوری "عمرالبشیر" در برابر اتحاد نیروهای اپوزیسیون و امضای سند "نداء السودان" برای سرنگونی نظام حاکم، اوج‌گیریِ بحران را گواهی می‌دهند. با توجه به نقش برجستهٔ حزب کمونیست سودان در روند وحدت نیروهای سیاسی اپوزیسیون سودان، "نامهٔ مردم"، هفته پیش، مصاحبه‌یی را با رفیق "علی الکنین"، عضو هیئت سیاسی و هیئت اجرائیه حزب کمونیست سودان و دبیر مسئول امور تشکیلات حزب برادر، انجام داد. متن کامل این مصاحبه برای اطلاع خوانندگان "نامهٔ مردم" در ادامه می‌آید.

نامهٔ مردم: رفیق گرامی علی، از اینکه در چنین اوضاع و احوالی دعوتِ "نامهٔ مردم" را برای این مصاحبه قبول کردید متشکریم. اجازه بدهید که با سئوالی دربارهٔ زمینهٔ تحولات اخیر آغاز کنیم. لطفاً به‌اختصار شرایط کنونی و تحول‌ها در سودان را توضیح دهید.

علی الکنین: مشخصه‌های ویژه و متمایز وضعیت فعلی در سودان را می‌باید در بطن تشدید رویارویی بین نیروهای مخالف و رژیم دیکتاتوری توضیح داد. برای نخستین بار از زمانی که این رژیم در سال ۱۹۸۹ به قدرت رسیده است، نیروهای مخالف ، برای پیوند زدن وحدتِ اعلام‌شده‌شان با برنامهٔ مشخصی برای آینده کشور، گامی بلند برداشته‌اند. علاوه بر این، نیروهای مخالف به این درک رسیده‌اند که درگیریِ مسلحانه در دارفور، کوردوفان‌جنوبی، و "نیل آبی" مکمل اقدامات توده‌ای‌ای است که بقیه کشور را فرا گرفته است. این وضعیت جدید را باید محصول مبارزات دشواری دانست که مردم سودان از سال ۲۰۰۵ تا کنون درگیر آن بوده‌اند. حزب کمونیست سودان نقش مهمی در این مبارزه ایفاء کرد. با این حال، از سال ۲۰۰۹، حزب به این نتیجه رسید که تنها راهِ به جلو برای کشور، سرنگونی رژیم است. چند سالی طول کشید تا دیگر نیروهای سیاسی درون اپوزیسیون این خط "مخالفت با دیالوگ (گفت‌وگو)" با رژیم را رها کنند و به جای آن خطّ سرنگونی رژیم با اقدام متحد را بپذیرند و دنبال کنند. رژیم، با حمایتی که از سوی کشورهای ارتجاعی عربی، ایالات متحده آمریکا، و اتحادیه اروپا از آن می‌شد، در کوششی عبث، سعی کرد تا با مطرح کردن دوبارهٔ شعار گفت‌وگو وحدتِ نیروهای مخالف را درهم بشکند. این بار "سازمان وحدت آفریقا" به‌منظور تلاش بیهوده به‌ایفای نقش میانجی برای حصول موافقتی بین رژیم و نیروهای دیگر مورد استفاده قرار گرفت. حزب کمونیست سودان در مقابل این توطئه جدید با استواری مقاومت کرد و آن را "فرودِ نرم" جناح راستِ اسلام سیاسی ارزیابی کرد.

ما امروز در کشور دو بلوک مشخص داریم، یکی بلوک مخالفان، و دیگری بلوکی که تمامی نحله‌های متفاوت اسلام سیاسی را با هم متحد می‌کند. شایان توجه و لازم به‌یادآوری است که، در نهایت، گروهِ "حسن الترابی"، ایدئولوگِ معروف اسلام سیاسی در سودان، با رژیم به اتحاد مجدد رسید.

نامهٔ مردم: رفیق علی، در صحبت‌های ما با رفقای کادر شما این مشخص شد که شباهت‌های زیادی بین جنبش‌های اجتماعی دو کشور ایران و سودان وجود دارد. لطفاً ارزیابی خودتان از بافت اجتماعی جنبش مخالفتِ مردمی با رژیم دیکتاتوری را برای خوانندگان ما توضیح دهید.

جلسه اخیر حزب کمونیست سودان در خارطوم

علی الکنین: از همان ابتدای زمان شکل‌گیری و به‌قدرت رسیدن رژیم سودان، رژیم با روند روبه‌رشدِ مخالفت به‌ویژه در شهرها و شهرستان‌ها با آن، مواجه شد. البته سال‌ها طول کشید تا بتوانیم طیف وسیع بخش‌های جامعه، به ویژه در منطقه‌های روستایی، را برای شرکت در جنبش اپوزیسیون و ایفای نقش در آن متحد کنیم. به‌برکت ورشکستگیِ سیاست‌های رژیم، به‌ویژه در زمینه‌های اقتصادی، شکستِ آن در حفظ وحدت کشور، فسادِ روبه‌رشد، گسترش جنگ داخلی تقریبا در سراسر کشور، و تصویبِ سیاست خارجی‌ای در تقابل با تمامی کشورهای پیرامون آن و در حمایت از رژیم ایران، تمامی این عامل‌ها، به‌طورفزاینده به‌پیوستن عدهٔ زیادی، به‌ویژه در بین جنبش‌های جوانان و زنان، به صف نیروهای اپوزیسیون منجر شده است. نیروهای اصلی درگیر در مبارزه، جنبشِ جوانان، هم دختر و هم پسر، طبقهٔ کارگر، بخش‌های بزرگی از دهقانان، و تقریبا همهٔ خرده‌بورژوازی و روشنفکران انقلابی‌اند. در ارتباط با حزب‌های سیاسی، ۱۵ حزب سیاسی به نمایندگی از سوی گروه‌های مسلح و حزب‌های سیاسی اصلی در کشور در این مبارزه شرکت دارند.

نامهٔ مردم: رسانه‌های خبری در ماه‌های گذشته خبرهای زیادی در مورد تشدید فشار به اپوزیسیون و چهره‌های برجسته جنبش مردمی منتشر کرده‌اند. جمعیت دفاع از آزادی‌ها و حقوق مدنی در رابطه با بازداشت چهره‌هایی نظیر "دکتر فرح عطار" و "دکتر امین مکی" و "فاروق ابوعیسی" اعتراض کرده است. دلیل تشدید این چنینیِ سرکوب از سوی رژیم را چه می‌دانید؟

علی الکنین: رژیم، در تلا ش ا ش برای عقیم کردن جنبش و سرکوب مخالفان و به‌سکوت واداشتن صدای نیروهای مخالفِ درحال رشد، اقدام‌های سرکوبگرانه‌اش را افزایش داده است. رژیم ابتدا "اوستاز فاروق ابوعیسی"، چهره‌یی بین‌المللی و کاملاً شناخته‌شده و یکی از اعضای برجسته جنبش اپوزیسیون، و "دکتر امین مکی"، وکیل برجسته و پیشرو و فعال حقوق بشر، و عده‌یی دیگر را بازداشت کرد. این عمل سرکوبگرانه همراه با دیگر

ادامه در صفحه ۱۵

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

آدرس های پستی:
1. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

آدرس های اینترنت و "ای–میل"
http://www.tudehpartyiran.org
E-Mail: dabirkhaneh_hti@yahoo.de

Nameh Mardom No. 965
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

26 January 2015

شمارهٔ فاکس و تلفن پیام گیر ما
۰۰۴۹۳۰
۲۳۶۲۹۷۲۷

حساب بانکی ما:
نام حساب: Iran e.V.
بانک: Berliner Sparkasse
کد بانک: 100 500 00
شماره حساب: 790020580
IBAN: DE35 1005 0000 0790 0205 80
BIC: BELADEBEXXX

کارگران همه کشورها متحد شوید!

نامهٔ مردم
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

شماره ۹۶۵، ۶ بهمن ۱۳۹۳
دورهٔ هشتم، سال بیست و هشتم

خصوصیاتِ رژیمِ دیکتاتوری، از دیدِ ولی‌فقیه

رژیم‌های دیکتاتوری مشابهت‌های زیادی با هم دارند، اما در تبلیغات‌شان با پنهان نگاه داشتنِ جنبه‌های منفی حکومت‌های خود و یا با سکوت دربارهٔ آن‌ها، در صدد برمی‌آیند چهره‌یی مطلوب از خود بنمایانند و به باورهای عمومی بقبولانند، که البته این تلاش‌ها در تمامی موارد نهایتاً با شکست مواجه می‌شوند. در نگاهی واقع‌نگر، ترفند تبلیغات گمراه‌کننده برای مدتی کوتاه، نتایج دلخواه آنان را فراهم می‌آورد، اما این روند دوامی ندارد. با اینکه تنفر افکار عمومی از رژیم ولایت فقیه نزدیک به قدمت برپایی این حکومت است و این نفرت نه تنها کاهش نیافته، بلکه رو به افزایش هم بوده است منتها به نظر می‌رسد سردمداران حاکم، بی اعتنا به واقعیت‌های موجود در جامعه، بر طبلی می‌کوبند که از منظر افکار عمومی صدایش ناهنجار و آزار دهنده است. سید علی خامنه‌ای به‌مناسبت نوزدهم دی، سالروز اعتراض روحانیون در قم در ارتباط با درج مقاله‌یی علیه خمینی در سال ۱۳۵۶ در روزنامه"اطلاعات"، سخنان جالب توجهی گفت که تأمل‌برانگیزند. او با تشریح مناسبت آن روز و اهمیت آن در چرایی مخالفت با رژیم شاه، خصوصات رژیم دیکتاتوری را برمی‌شمارد و می‌گوید: "یکی از خصوصیّات آن رژیم فاسد، دیکتاتوری

ادامه در صفحه ۸

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی: بدرود رفیق لطیفی در ص ۳

«همایشِ سراسریِ اصلاح‌طلبان» و کاروانِ «اعتدال‌گرایی»

"شورای هماهنگی اصلاحات" در روز ۲۵ دی‌ماه گردهمایی مهمی را با حضور طیف وسیعی از چهره‌ها و فعالان سیاسی در "کانون توحید" تهران، با عنوان: "همایش سراسریِ اصلاح‌طلبان"، برگزار کرد. توجه برانگیز آن‌که، درحالی‌که حضور محمد خاتمی در این "همایش" ممنوع بود، چهره‌های "اصول‌گرایی" مانند ناطق نوری در آن شرکت داشتند. غیبتِ بسیاری از چهره‌های سرشناس جنبش اصلاح طلبی در این گردهمایی بسیار چشم‌گیر بود، و آشکار بود که سازمان‌دهندگانِ گردهمایی بر آن بودند تا تصویری کاملاً متفاوت از مفهوم "اصلاح‌طلبی" به نمایش بگذارند. مضمونِ بسیار ضعیف بیانیهٔ پایانیِ این "همایش" که از سوی "شورای هماهنگیِ اصلاحات" صادر شد، درحقیقت، برای رسمیت بخشیدن به بازتعریفی دیگر از "اصلاحات-" در چارچوبِ موردپذیرشِ رژیم ولایی- و هویتِ بیرونی دادن به آن بود. تأمل‌برانگیز آن‌که، هدفِ اساسی بیانیهٔ پایانیِ این "همایش" در این راستا بود که هیچ‌گونه شائبه‌یی دربارهٔ تلاشِ این گردهمایی در مسیر "اصلاحات برای تغییر"، به‌وجود نیاید. بیانیهٔ پایانیِ "همایش سراسری اصلاح‌طلبان" آن‌چنان محتاطانه نوشته شده است که حتی صادق زیباکلام را به انتقاد واداشت: "انتظار آن بود که قطعنامه دست‌کم به بخشی از مسائل واقعی جامعه اشاره می کرد. ... اما به‌هرحال این انتظار

ادامه در صفحات ۶ و ۷

اصلاحِ قانونِ کار، مسئلهٔ افزایشِ دستمزدها، و برنامه‌ریزی‌هایِ رژیم

کارگزارانِ رژیم ولایت‌فقیه، پیوندِ اقتصادِ کشورمان با اقتصادِ سرمایه‌داریِ جهانی و انحصارهای امپریالیستی را، علاوه بر راهِ دستیابی به سودهای کلان و ثابت، عاملی برای حفظ و بقایِ "نظام" می‌دانند. دولت احمدی‌نژاد، در طول دو دوره بر سر کار بودنش، بارها از سوی نهادِ امپریالیستی صندوق‌بین‌المللی‌پول تشویق و تمجید شد. دولتِ روحانی نیز، با آگاهی کامل به اثراتِ مخربِ سیاست‌هایِ "تعدیلِ اقتصادی" بر تولیدِ ملی در سه دههٔ اخیر، و آگاهی کاملِ از اثرِ ویرانگرِ اجرایِ فازِ اولِ قانونِ ضدملی "هدفمندیِ یارانه‌ها" بر کارِ هزاران کارخانهٔ تولیدی و اشتغالِ میلیون‌ها کارگرِ کشورمان- با هم‌آهنگی کامل با "بیتِ رهبری" و ولی‌فقیه- در راستایِ "آزادسازی" کاملِ

ادامه در صفحه ۲

آغاز به کار کانال «یوتیوب» حزب تودهٔ ایران

کانال «یوتیوب»حزب تودهٔایران با مطالبی درباره تاریخ بیش از هفت دهه مبارزه حزب، بزرگداشت جان باختگان فاجعه ملی و شعرهایی از زنده یاد رفیق طبری و سیاوش کسرایی کار خود را آغاز کرد. کانال حزب در «یوتیوب»را می توانید از طریق دنبال کردن لینک ارتباطی در صفحه اول سایت حزب پیدا کنید.

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم "ولایت فقیه"!

ادامه یورش به منافع کارگران و زحمتکشان...

اقتصاد دستورهایِ صندوق‌بین‌المللی‌پول و بانک‌جهانی را با ضرب‌آهنگی بسیار تند به‌پیش می‌برد.

دولتِ روحانی در عرصه‌های مختلف، از جمله خصوصی‌سازی، آزادسازیِ مزد کارگران برای ارزان کردنِ بهای نیروی کار، مقررات‌زدایی در محیط و روابطِ کار به‌زیانِ کارگران، حذفِ باقی‌ماندهٔ ماده‌هایی از قانون کار که جنبه‌های حمایت‌کننده از کارگران دارد، اجرایِ فازِ دوم "هدفمندیِ یارانه‌ها" در راستایِ آزادسازی قیمت‌ها، به منافع طبقاتیِ کارگران و زحمتکشانِ کشورمان یورش برده است. اشاره‌یی کوتاه به عواقبِ مخربِ این سیاست‌های ضدمردمی را لازم می‌بینیم:

بر اساسِ "نتایج بررسی‌های جدید از وضعیتِ معیشتِ کارگران"، خبرگزاری مهر (۱۷ دی‌ماه) هزینهٔ "ماهیانه هر خانوار ۴ نفره" را "حداقل ۳٫۱ و حداکثر ۳٫۶ میلیون تومان" و خبرگزاری ایلنا "میانگینِ هزینه‌های یک خانواده چهارنفره" را "بالغ بر سه میلیون و چهارصد هزار تومان" گزارش دادند. به‌عبارت‌دیگر، حداقلِ مزدِ ۶۰۹ هزارتومانیِ کارگر کمتر از یک‌پنجم خطِ فقر در کشورمان است. خبرگزاری ایسنا (۱۹ دی‌ماه) نیز نوشت: "دستمزد یک کارگر در قالبِ قراردادهای سفید امضا بین ۲۵۰ هزار تا ۳۰۰ هزار تومان است." در رابطه با قراردادهای سفید امضا فقط در استان همدان، خبرگزاری ایلنا (۲۲ دی‌ماه) نوشت: "درحال حاضر ۲۳۸ هزار کارگر در استان همدان با قراردادهای سفید امضاء مشغول فعالیت‌اند." واقعیت این است که در سه دههٔ اخیر، رژیم ولایت‌فقیه تحت رهبریِ "نمایندهٔ خدا روی زمین"، یعنی خامنه‌ای، این شرایطِ اسف‌بار را برای کارگران و زحمتکشانِ کشورمان به‌وجود آورده است. هرسال در هفته‌های نزدیک به تعیینِ حداقلِ مزدِ کارگران، رهبرانِ واپس‌گرایِ رژیم ولایت‌فقیه انواع و اقسام ترفندها را برای پایین نگاه داشتنِ مزدِ کارگران به‌کار می برند و رهبرانِ تشکیلاتِ زردِ کارگریِ را برایِ پیش بردنِ اهدافِ خود به‌کار می‌گیرند. باید ترفندها را شناخت و ترفندزننده‌ها را نزدِ کارگران افشا کرد. مثلاً در رابطه با خطِ فقر، روزنامهٔ اعتماد گزارش داد که، معاون رفاه اجتماعی وزارتِ کار اخیراً "خطِ فقر برای هر ایرانی را ماهانه ۲۵۰ هزار تومان" اعلام کرده بود، درصورتی‌که بنا بر گزارش ایلنا، معاونِ وزیر کار، سیدحسن هفده‌تن، در یادداشتِ ۲۷ دی‌ماه خود اقرار کرد: "از سال ۸۴ تا کنون قدرتِ خرید کارگران به یک‌سوم رسیده است"، یعنی سال‌هایی که- بنا بر گزارشِ ایلنا (۱۸ اردیبهشت‌ماه)- وزیر کار ربیعی اعلام کرده بود: "از فروشِ نفت در ۸ سال گذشته...[می‌شد] چندین کشور را ساخت." البته واپس‌گرایانِ دولتِ یازدهم تلاش می‌کنند تمامِ گناه‌ها را به گردنِ دولتِ احمدی‌نژاد منفور- یا بنا به گفتهٔ خامنه‌ای "دولتِ نمونهٔ جهان"- بیندازند.

اشاره‌یی به برنامه های دولتِ یازدهم در رابطه با تعیین مزدِ ۹۴ را لازم می‌بینیم: در راستای آزادسازیِ دستمزدِ کارگران، اولین یورشِ وزارت کار به مزدِ ۹۴ کارگران در قالبِ تعیینِ مزد بر اساس مدل جدیدِ "بهره‌وری" آغاز شد. بنا بر گزارش ۱۵ مهرماه خبرگزاری مهر: "مدلِ جدید دستمزد به‌صورت مستقیم منجر به افزایش حقوق نیروی کار نخواهد شد و این کار در قالب موضوعاتی از قبیل کاهشِ هزینه‌های اضافه در مسیر تولید، افزایش بهره‌وری و بازدهی نیروی کار..." انجام می‌گیرد. به علت مقاومتِ شدید کارگران با این طرحِ ضدکارگری، روزِ ۲۶ آبان‌ماه وزیرِ کار ربیعی اعلام کرد: "تعیین دستمزد سالِ آینده با تبعیت از قانون و بر اساسِ نظامِ تورم و چانه‌زنی صورت می‌گیرد." درحکمِ ترفندی جدید اما به‌ظاهر برای "جبرانِ بخشی از شکافِ بین دستمزدها و هزینه‌های مشمولانِ قانونِ کار"، خبرگزاری مهر،۱۴ آبان‌ماه، از نیتِ دولت برای "افزایش ۲ برابری سنوات" کارگران گزارش داد. به‌عبارت‌دیگر، با افزایش پایه سنواتی کارگران از ۱۵ هزار تومان به ۳۰ هزار تومان در ماه، گویا دولت جبرانِ بخشی از شکاف بین دستمزدِ ۶۰۹ هزار تومانی و هزینهٔ زندگیِ ۳ میلیون و ۴۰۰ هزار تومانی را درنظر داشت. همه به‌خاطر داریم که دولتِ یازدهم داشتن درآمدِ ماهیانه‌ای با سقف ۵۰۰ هزار تومان را شرطِ تعلقِ سبدِ کالا به کارگران تعیین کرد، اما کارگرانی را که درآمدشان با حق مسکن ۶۰ هزارتومانی و حداقل دستمزد ۴۷۶ هزارتومانی سال ۹۲ بالغ بر ۵۳۶ هزار تومان می‌شد، از دریافتِ سبدِ کالایِ حداکثر ۱۲۰ هزارتومانی محروم کرد.

دولت، مطابقِ معمول و مانند سال‌های قبل، روز ۱۱ آذرماه، ارائهٔ "سبدهای معیشتی" و "غیرمعیشتی" را- به‌جای حق مسلمِ کارگران، که پارسال لااقل معادلِ ۵۵ هزار تومان ماهیانه تا آخرِ عمرِ کارگران می‌شد- پیشنهاد داد (خبرگزاری مهر، ۱۱ آذرماه). به‌ظاهر برایِ "متقاعد" کردنِ کارفرمایان به تغییرِ قراردادهایِ موقت به قراردادهای دائم- اما درواقع به‌قصدِ شکاف انداختن در صفِ مبارزاتیِ کارگران- طرحِ ضدکارگری سالِ ۸۷ مبنی بر "تعیینِ دستِ کم ۱۰ درصد افزایش درآمدِ بیشتر برای کارگرانِ قرارداد موقت نسبت به کارگرانِ قرارداد دائم" دوباره پیش کشیده شد (خبرگزاری مهر، ۲۱ آذرماه). ترفند دیگر اینکه، هادی ابوی، عضو هیئت‌مدیره کانون‌عالی‌انجمن‌های‌صنفی‌کارگران‌ایران "ارائهٔ بسته‌های کالا به‌جای بُن نقدی ۸۰ هزارتومانی" را پیشنهاد داد (خبرگزاری مهر، ۸ دی‌ماه)، به‌عبارت‌دیگر، بارِ دیگر ارائهٔ "بستهٔ کالای" احتمالی به‌جای پولِ نقد. مطابقِ مادهٔ ۴۱ قانونِ کار، مزدِ کارگران باید بر اساسِ نرخِ تورم و هزینه معیشتِ خانوادهٔ کارگری تعیین گردد. بر اساسِ گزارشِ ایلنا، ۱۷ دی‌ماه، با اعلامِ اینکه "مقولهٔ تعیین دستمزد... پیچیده و نیازمند کار کارشناسی است، ... و سهم دستمزد در قیمتِ تمام‌شدهٔ تولید کم است"، هفده‌تن، معاون وزیر کار، گفت: "دستمزدِ سالِ آینده به‌گونه‌ای [باید] تعیین شود که قدرتِ پس‌انداز به کارگران بدهد." ولی مطابقِ معمول و چنان‌که انتظار می‌رفت، همین هفده‌تن، بنا بر گزارشِ خبرگزاریِ مهر، ۲۶ دی‌ماه، اعلام کرد: "حداقل دستمزدِ کارگران در سال ۹۴ بدون آنکه فشار مالی مضاعفی به کارفرمایان وارد شود، باید... با رویکرد واقع‌بینانه تعیین شود چراکه هرگونه تصمیم غیرکارشناسانه تبعات منفی برای کل اقتصادِ کشور خواهد داشت." خبرگزاری مهر، ۲۴ دی‌ماه، از احتمالِ افزایش "۱۵۲ هزار تومانی" دستمزد و ۲۹ دی‌ماه از "پیشنهادِ دولت درباره افزایش دو برابری حق مسکن، سنوات و افزایش بُن نقدی از ۸۰ هزار به ۱۰۰ هزار تومان" خبر داد. به‌عبارت‌دیگر، با خطِ فقرِ ۳ میلیون و ۴۰۰ هزارتومانی، مزدِ ماهیانهٔ ۷۶۱ هزارتومانی ،برای سال ۹۴، قرار است "قدرتِ پس‌انداز به کارگران بدهد."

وزارتِ کار برایِ به‌اصطلاح "اصلاحِ قانونِ کار" در راستای حذفِ باقی‌ماندهٔ ماده‌هایی از قانونِ کار که جنبه‌های حمایت‌کننده از کارگران دارد، در ماه‌هایِ اخیر تلاش‌های فراوانی کرده است. به‌گزارشِ خبرگزاریِ مهر، ۱۳ آبان‌ماه، وزارتِ کار با اعلامِ اینکه "وضعیتِ بیش از ۹۳ درصد کلِ قراردادهای کار به موقت یک‌ماهه، ۳ ماهه و بعضاً یک‌ساله تغییر یافته است،... تبدیلِ کلیه قراردادهای کاری کشور از موقت به دائم و دادن اختیارِ اخراج نیروی کار به‌صورت کامل به کارفرمایان" را "پیشنهاد" داد. مسلماً با دادنِ اختیارِ کاملِ اخراج کارگران به کارفرمایان، تبدیلِ قراردادهای موقت به دائم مفهومی نخواهد داشت. به علتِ مخالفتِ شدیدِ کارگران، درنهایت، روزِ ۲۳ دی‌ماه، هفده‌تن به خبرگزاری مهر گفت: "طرحی که برای ساماندهیِ قراردادهای موقت کار ارائه شده بود، با مخالفتِ شورای ۳ جانبه ملی متوقف شد." برایِ پیش‌بردِ هدف‌های ضدکارگری و تغییرِ قانونِ کار، رژیم ولایت‌فقیه بارِ دیگر از طریقِ مجلسِ سرسپردگان به ولایت وارد عمل شد. خبرگزاری ایرنا، ۷دی‌ماه سال ۹۲، به نقل از ربیعی، وزیر کار، اعلام کرده بود: "دولت یازدهم لایحه اصلاح قانون کار را از مجلس بازگردانده است و با تشکیل کارگروهی مرکب از شرکای اجتماعی، به بررسی این قانون خواهد پرداخت." با وصفِ اینکه ربیعی لایحه تغییرِ قانونِ کارِ دولتِ قبل را "یکی از جنجالی‌ترین اقدامات دولت دهم" توصیف کرده بود، خبرگزاریِ مهر، ۳۰ آبان‌ماه سال ۹۳، به نقل از ربیعی، نوشت: "وزارتِ کار لایحهٔ اصلاحِ قانونِ کار که در ماه‌های پایانی استقرار دولت احمدی‌نژاد تهیه و تقدیم مجلس شده بود را پس نگرفته و اکنون این لایحه در کمیسیون اجتماعی مجلس برای طرح در صحن علنی در دست بررسی است[!!]" اخیراً نمایندگانِ واپس‌گرای مجلس به الحاقِ بندهایی به ماده‌های ۱۶، ۱۷ و ۱۸ لایحهٔ به‌اصطلاح "رفعِ موانع تولیدِ رقابت‌پذیر و ارتقایِ نظامِ مالیِ کشور" اقدام کرده‌اند تا "قانونِ کار را به روشی مشابه دولت تغییر دهند." بنا بر گزارش‌های متعددِ خبرگزاری‌های مهر و ایلنا در چند هفتهٔ اخیر، تبصره‌های ۳ و ۴ بندِ "الف" مادهٔ ۱۶، به ترتیب بر تهیهٔ "قراردادهای با بیش از سی روز" به‌صورت کتبی، و پرداختِ "به نسبت مدتِ کارکرد مزایای قانونی پایان کار به مأخذ هرسال یک ماه آخرین مزد" به کارگران با قراردادهای موقت تأکید دارند؛ بند "ج" نیز "به شرایط و نحوهٔ فسخ قرارداد در مادهٔ الحاقی ۱۶ اشاره" می‌کند؛ و به‌موجب شرایطِ جدید در مادهٔ ۱۷ "پیمانکارانِ نیروی انسانی دیگر ملزم به تأمین وثیقه برای دریافت مفاصاحساب از سازمان تأمین اجتماعی نخواهند بود." درصورت تصویب این لایحه، فعالانِ کارگری می‌گویند: "حداکثر خسارت اخراج به کمتر از ۳۰ روز خواهد رسید" که "جشن و سرور پیمانکاران را... به‌دنبال" خواهد داشت؛ "بلندایِ امنیتِ شغلی کارگران به کمتر از یک روزِ کاری تنزل خواهد یافت"؛ "قراردادهای ۲۹ روزهٔ شفاهی

ادامه در صفحه ۳

ادامه گفت و گوی «نامه مردم» با نماینده رهبری ...

اقدام‌های سرکوبگرانه، ازجمله بازداشت اعضای رهبریِ حزب ما،حمله به جنبش سندیکاهای کارگری کشور و محدود کردن حقِ آزادی بیان که در هجوم‌های مداوم به روزنامه "المیدان"، روزنامه حزب کمونیست سودان، آشکار می‌شود، ادامه یافت.

در این باره می‌خواهم روی این مسئله که تقریباً تمام اعضای هیئت تحریریهٔ "المیدان" درحال حاضر با اتهامی غیرعادی روبه‌رویند، تاکید کنم. کافی است به اتهام سردبیر "المیدان"، رفیق خانم "محدیه عبدالله"، اشاره کنم. او به ارتکاب جنایت علیه کشور و دولت و اشاعه و دامن زدن به نفرت در میان مردم متهم شده است. ایشان به‌قید وثیقه از زندان آزاد شده است.

نامهٔ مردم: "المیدان" هفته پیش، در روز ۲۸ دی‌ماه (۱۸ ژانویه ۲۰۱۵)، گزارش داد که حزب کمونیست سودان فراخوانی برای تشکیل جبههٔ وسیع نیروهای اپوزیسیون منتشر کرده است. لطفاً در رابطه با چگونگیِ رشد و توسعه اپوزیسیون سیاسی متشکل در حزب‌های سیاسی توضیح دهید.

علی الکنین: همه نیروهای سیاسی درگیر در مبارزه با نظام، خواستارِ وحدتِ گسترده‌تر مردم در مبارزهٔ نهایی برای سرنگونی رژیمند. در این رابطه باید متذکر شوم که رژیم به‌تازگی برای اینکه به البشیر شانس شرکتِ دوباره درانتخابات را بدهد، دست به اصلاح قانون اساسی زد. به‌طورهم زمان این اصلاحات جدید دولت پلیسی را ایجاد کرده‌اند که در آن دستگاهَ امنیتی امکان عمل آزادانه و بی‌کنترل را داشته باشد و نقشی معادل ارتش به آن داده شده است. به‌این‌خاطر، حتی برخی از نیروهایی که در سال‌های اخیر امیدوار بودند که بتوانند با رژیم ارتباطی داشته باشند، برنامه‌شان را در این رابطه کنار گذاشته‌اند.

نامهٔ مردم: حزب کمونیست سودان تجربهٔ ویژه‌ای را درپیش گرفته است. حزب، با وجود سرکوب پلیسی رژیم دیکتاتوری، چند سال پیش تصمیم به فعالیت علنی گرفت. لطفاً در مورد شرایط فعالیت سیاسی حزب توضیح بدهید.

علی الکنین: حزب کمونیست سودان در پلنوم کمیته مرکزی‌اش در سال ۲۰۱۲، برای فعالیت و عمل توده‌ای و وسیع به‌منظور سرنگون کردن رژیم فراخوانی را اعلام کرد. اعضای حزب در قیام سپتامبر ۲۰۱۳ نقش چشمگیری ایفاء کردند. حزب کمونیست سودان به مبارزه‌اش در کنار و همدوشِ دیگر نیروهای اپوزیسیون به‌منظور وسعت بخشیدن به فعالیت‌های توده‌ای مردم ادامه می‌دهد، که عبارتند از: شرکت دادنِ همه نیروهای اپوزیسیون تا حد ممکن در این مبارزه، بهره‌گیری از درس‌های یادگیری‌شده در تجربه‌های گذشته، و اینکه چگونه از بهترین تاکتیک‌ها در زمان مساعد و مناسب استفاده کرد، چگونه از فعالیت‌های توده ای مردم حفاظت کرد، و چگونه به اوج جنبش نافرمانی عمومی رسید، و چگونه برای حرکت نهایی به‌منظور خلاص شدن مردم ما از شر رژیم فاشیستی تدارک دید و آمادگی یافت.

در این رابطه باید وحدت به‌دست‌آمده را بیشتر تقویت کرد، و هماهنگی بهتر فعالیت بین بخش‌های مختلف مخالفان مورد نیاز است. با این حال، ضمن ابراز رضایت عظیم، حزب کمونیست سودان عزم خود برای ادامه مبارزه تا پیروزی نهایی را ابراز کرده است. مردم ما، با با برخوردار بودن از میراثی انقلابی، فراخوانده شده‌اند تا برای نبرد اصلی صفوف خود را تقویت و آمادگی کسب کنند. حزب کمونیست سودان معتقد است که همبستگی بین‌المللی از طریق حزب‌های برادر، در مبارزاتی که در آینده پیش روی دارد، نقشی عظیم خواهد داشت. رابطه ما با حزب تودهٔ ایران نمونه‌یی درخشان از پیوندهای مبارزاتی‌ای است که حزب‌ها و خلق های ما را متحد می‌کند.

نامهٔ مردم: روزنامه "المیدان" اخیراً در شماره ۲۹۱۴ خود در رابطه با بایکوت انتخاباتِ پیش رو مطالبی نوشته است. سیاستِ حزب کمونیست سودان در رابطه با شرکت در انتخابات چیست؟

علی الکنین: حقیقت اینکه، حزب کمونیست سودان با مطرح کردن برخی شرایط مشخص و از جمله: بی‌طرفی ارگان مسئول اداره و برگزاری انتخابات، توافقی ملی و سراسری در مورد نحوهٔ تعیین حوزه‌های انتخاباتی، دسترسی عادلانه به رسانه‌های جمعی، احترام به حق بیان به‌ویژه آزادیِ مطبوعات، و در نهایت، حق سازمان‌دهی مبارزهٔ انتخاباتی‌ای آزادانه، برای شرکت در انتخابات سال ۲۰۱۰ آماده بود. هیچ یک از این شرایط محترم شماره و اجرا نشدند. برای مثال، در حرکتی نمادین، رژیم به هفت نامزد برای انتخابات ریاست جمهوری در تلویزیون ملی امکان شرکت در مصاحبه‌یی ده دقیقه ای داد. با هشتمین نامزد انتخابات، شخصِ عمر البشیر، هیچ‌گاه مصاحبه نشد، اما پوشش کارزار انتخاباتی او همواره در صدر اخبار روز قرار داشت. حزب ما با تمام متحدان خود از شرکت در چنین انتخاباتی خودداری کرد. در انتخاباتِ پیش رو حتی حزب‌های دست راستی نیز حاضر نیستند مُهر تأیید بر سلامت انتخابات بزنند. حتی دو جناح و فراکسیون حزب البشیر هم تغییرهای انجام‌شده در قانون اساسی را محکوم کردند و بایکوت و تحریم انتخابات را خواستار شدند. حزب کمونیست سودان به مبارزه خود برای سرنگونی رژیم ادامه می‌دهد.

نامهٔ مردم: در سال‌های اخیر گزارش‌های متعددی در رابطه با شرایط در دارفور و جنوب سودان منتشر شده‌اند و حزب شما در این رابطه کارزار های وسیعی داشته است. اوضاع در حال حاضر در این مناطق چگونه است و تاثیر آن در تحولات سیاسی سودان چیست؟

علی الکنین: وضعیت در غرب کشور، دارفور، جنوب کوردوفان، کوه نوبیا و "نیل آبی" در جهت وخیم‌تر شدن پیش می‌رود و در حقیقت به شکلی بسیار غیرانسانی درآمده است. اراذل و اوباش وابسته به دولت و "جنجوید" وارداتی در این بخش‌های کشور ویرانی و نابسامانی حاکم کرده اند. البته به‌برکت مقاومت و دفاع مسلحانهٔ مردم، تلاش‌هایی جدی شده است که بر دست‌های متجاوزان زنجیر زده شود تا از دراز شدن به جان و مال مردم کوتاه گردند. با این حال، وضعیت بسیار خطرناک و اسف‌بار است. حتی در اردوگاه‌های پناهندگان، جائی که در آن نیروهای سازمان ملل و سازمان وحدت آفریقا مستقرند ار تا از ساکنان آن‌ها دفاع کنند، حمله‌های مهلک و ویرانگر گروه‌های جنایتکار به غیرنظامیانِ بی‌گناه ادامه دارد.

نامهٔ مردم: حزب کمونیست سودان یکی از با سابقه‌ترین حزب‌های سیاسی چپ در قاره آفریقا است و پیشینهٔ مبارزاتی درخشانی دارد. مانند حزب توده ایران، شما هم سالیان متمادی در شرایط مخفی و دشوار مجبور به فعالیت بوده‌اید. رفیق علی، در انتها لطفاً در رابطه با حزب کمونیست سودان و برخی عرصه‌های فعالیت آن برای خوانندگان ما توضیح دهید.

علی الکنین: حزب کمونیست سودان، که در سال جاری ۶۹ مین سالگردش را جشن خواهد گرفت، تنها کمتر از ده سال در شرایط قانونی فعالیت کرده است. با وجود این واقعیت، حزب موفق شده است پنج کنگره را سازمان‌دهی کند، و در حال حاضر، در تدارک برگزاریِ ششمین کنگره خود است. حزب ما به ریشه‌ها و بنیانگذاران تاریخی خود، به مارکسیسم و مردم سودان صادق و وفادار باقی مانده است. حزب در مبارزه‌یی دشوار و سهمگین با رژیم قرار دارد. رژیم اعلام کرده است که حزب کمونیست سودان دشمن اصلی آن است. حزب ما آماده مبارزه رویاروی با رژیم استبدادی است.

ما با اطمینان می‌توانیم بگوئیم که با وجود فقدان رفیق "محمد ابراهیم نقود"، دبیرکل سابق حزب (که چند سال پیش درگذشت)، و برای ما ضایعه‌یی بزرگ بود، رهبریِ حزب همان سنت انقلابی را ادامه می‌دهد و به توسعه فعالیت‌های سیاسی‌اش به‌طورمشخص ادامه می‌دهد. حزب خود را در خدمت مبارزات مردم قرار داده است. هر ساله صدها جوان به حزب می پیوندند، شاخه‌ها و سازمان‌های حزبی تقریباً تمام منطقه‌های مهم جغرافیایی و صنعتی کشور را پوشش می‌دهند. فعالیت‌های حزب اکنون ثبات و استمرار ضرور خود را پیدا کرده‌اند. ما به همهٔ این‌ها در شرایط رویارویِ روزانه و مرگبار با هجوم‌های مداوم رژیم دست پیدا کرده ایم.

حزب، در نهایت، مانند نیروهای دیگر، می‌دانست که این رژیم ظالم و دیکتاتوری برای حفظ قدرت در چنگال خود از بهره‌گیری از هیچ حربه‌یی ابا ندارد. رژیم تا کنون ۹ موافقتنامه متفاوت با نیروهای مخالف امضاء کرده است، اما تا به‌حال به هیچ یک از این موافقتنامه‌ها پایبند نبوده است و به مفاد آن‌ها احترام نگذاشته است. در حال حاضر وضعیت بیش از هر مقطع دیگری برای تغییری رادیکال در کشور آماده است. با وجود سرکوب، بازداشت کادرهای حزبی در پایتخت و استان ها، و هجوم‌های روزانه بر "المیدان" (روزنامهٔ ارگان حزب) و دبیران و سردبیر آن، حزب بر مواضع خود و عزم به ادامهٔ مبارزه تا پیروزی نهایی استوار ایستاده است.

از این فرصت استفاده کرده و از حزب تودهٔ ایران، رهبری، و اعضای آن برای حمایت و ابراز همبستگی با مبارزات مردم و حزب ما تشکر می‌کنیم. ما هنوز هم فکر می‌کنیم که دورانی که پیشاروی ما قرار دارد در مبارزه در کشور ما تعیین‌کننده خواهد بود. ما همهٔ حزب‌های برادر را فرامی‌خوانیم تا پرچم‌های همبستگی با مبارزهٔ مردم و کمونیست‌های سودان در راه دموکراسی، صلح و سوسیالیسم پر افراشته نگه دارند.

پیام همبستگی حزب تودهٔ ایران به کمیتهٔ مرکزی حزب کمونیست یونان

رفقای گرامی،

با نزدیک شدن زمان رأی دادن مردم در انتخابات مهم پارلمانی در روز ۲۵ ژانویه (۵ بهمن)، حزب تودهٔ ایران برای آن حزب برادر، حزب کمونیست یونان، آرزوی موفقیت در این انتخابات می‌کند. از دید ما، موفقیت حزب کمونیست یونان در نمایندگی کردن آمال و اندیشه‌های طبقهٔ کارگر یونان، در این انتخابات، پیروزی پراهمیتی برای عدالت اجتماعی، بهروزی ملّت و دموکراسی واقعی در آن کشور خواهد بود. به دست آمدن نتیجهٔ موفقیت‌آمیز برای حزب کمونیست یونان نشانگر قدرت حزب کمونیست یونان و پیروزی مهمی در مبارزه در راه صلح، حقوق بشر و حقوق دموکراتیک، و سوسیالیسم خواهد بود.

از زمانی که بحران اقتصادی و پولی سرمایه‌داری آغاز شد، زحمتکشان یونان در معرض خشن‌ترین و وحشیانه‌ترین حمله‌ها به زندگی و معیشت‌شان، و حقوق اجتماعی و اقتصادی‌شان بوده‌اند که طی مبارزاتی دشوار به دست آورده‌اند. طی این مدت، استقلال ملّت یونان نیز توسط اتحادیهٔ اروپا، بانک مرکزی اروپا و صندوق بین‌المللی پول زیر پا گذاشته شده است. سیاست‌ها و اقدام‌های ریاضتی فاجعه‌بار تحمیل شده توسط این سه نهاد رنج و فقر شدیدی برای طبقهٔ کارگر یونان به بار آورده است. این وضعیت ناگوار حاصل عملکردهای ویرانگر بانکداران و دلالان و سفته‌بازان و نظام سرمایه‌داری است که عامل اصلی بحران کنونی‌اند.

مبارزاتی که حزب کمونیست یونان، جبههٔ مبارز سراسری کارگران (PAME)، سازمان جوانان کمونیست یونان و دیگر گردان‌های زحمتکشان یونان در پنج سال گذشته سازمان داده و پیش برده‌اند، از جمله اعتصاب سراسری شکوهمند در دفاع از حقوق بشر و حقوق دموکراتیک مردم یونان و حق حاکمیت و استقلال ملّت یونان، مورد تحسین طبقهٔ کارگر در سراسر جهان بوده است. روابط انترناسیونالیستی حزب تودهٔ ایران با حزب کمونیست یونان مایهٔ افتخار ماست.

حزب تودهٔ ایران برای حزب برادر، حزب کمونیست یونان، آرزوی موفقیت در انتخابات پارلمانی ۲۵ ژانویه (۵ بهمن) دارد. از نظر ما، حضور یک حزب کمونیست قدرتمند، متحد و موفق، برای آیندهٔ یونان و زحمتکشان آن کشور، برای دموکراسی در یونان، برای صلح در اروپا و جهان، و برای کامیابی مبارزهٔ مردم در راه دموکراسی، حقوق بشر و حقوق دموکراتیک، و عدالت اجتماعی در ایران و خاورمیانه مؤثر و سودمند است.

با بهترین آرزوهای رفیقانه
کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران
۲۰ ژانویه ۲۰۱۵ (۳۰ دی ۹۳)

همهٔ زندانیان سیاسی سودان باید آزاد شوند!

حزب تودهٔ ایران ادامهٔ سرکوب در سودان را محکوم می‌کند و خواستار پایان دادن فوری به سانسور و سرکوب در سودان است.

خبر ادامهٔ موج سرکوب نیروهای مترقی و دموکراتیک در سودان، و به‌خصوص پیگیرد و سرکوب کادرها و فعالان و رهبران حزب کمونیست سودان مایهٔ تأثر و نگرانی حزب تودهٔ ایران است. اعمال فشار سازمان‌یافته و مداوم نیروهای امنیتی و انتظامی رژیم دیکتاتوری خارطوم بر نشریهٔ "المیدان"، روزنامهٔ حزب کمونیست سودان، به‌ویژه ما را نگران کرده است.

بر اساس بیانیهٔ مطبوعاتی حزب کمونیست سودان، نیروهای امنیتی سودان از اوّل ژانویهٔ سال جاری میلادی (۱۱ دی ۹۳) تا کنون، سه شمارهٔ نشریهٔ "المیدان" را توقیف و پس از چاپ جمع‌آوری کرده‌اند. نویسندگان و دبیران این نشریه نیز مورد اذیت و آزار نیروهای امنیتی قرار دارند.

حزب تودهٔ ایران اقدام‌های سرکوبگرانهٔ دولت ارتجاعی سودان علیه حزب کمونیست سودان، نشریهٔ "المیدان" و همهٔ دوستان و متحدان آن در میان طیف نیروهای دموکراتیک و مترقی سودان را به‌شدت محکوم می‌کند.

به نظر ما، هدف رژیم دیکتاتوری سودان از دست یازیدن به اقدام‌های سرکوبگرانه و تشدید سرکوب نیروهای ترقی‌خواه، در وهلهٔ نخست خاموش کردن صدای مخالفان، ایجاد مانع برای پیش‌روی آنها به سوی یک رهبری متحد، و انحراف توجه از تمرکز بر قیام ملّی مردم سودان است. رژیم دیکتاتوری سودان مذبوحانه تلاش می‌کند تا جنبش ملّی مردمی برای دموکراسی در سودان با هدف پایان دادن به حکومت فاجعه‌بار رژیم دیکتاتوری اسلامگرای این کشور به رهبری عمر البشیر را، که در ماه‌ها و هفته‌های اخیر شتاب گرفته است، متوقف کند، به شکست بکشاند و به عقب بازگرداند. حزب تودهٔ ایران سیاست‌های سرکوبگرانهٔ رژیم دیکتاتوری سودان را قاطعانه محکوم می‌کند و از جنبش صلح، حقوق بشر و دموکراتیک، و عدالت اجتماعی در سودان تمام و کمال پشتیبانی می‌کند.

حزب تودهٔ ایران، در کنار نیروهای دموکرات و ترقی‌خواه سودان و دیگر کشورهای جهان، خواستار پایان دادن به ترور و اقدام‌های سرکوبگرانه علیه مخالفان در سودان است. حزب تودهٔ ایران خواهان پایان دادن فوری به همهٔ محدودیت‌های اعمال شده بر نشریهٔ "المیدان" و ادامهٔ انتشار این صدای زحمتکشان و محرومان سودان است.

ما همبستگی کامل و پیگیر خود را با مبارزهٔ حزب کمونیست سودان و متحدانش در راه صلح، حقوق بشر و دموکراتیک، عدالت اجتماعی و رهایی ملّی اعلام می‌کنیم.

کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران
۸ ژانویهٔ ۲۰۱۵ (۱۸ دی ۹۳)

ادامه یورش به منافع کارگران و زحمتکشان...

در بازار کار حاکم خواهد شد"؛ "کارفرما درعمل قدرتِ مطلق برای اخراج کارگران را به‌دست می‌آورد"؛ "ضربهٔ سنگینی به منابع درآمدیِ سازمان تأمین اجتماعی وارد خواهد شد" و "نوعی برده‌داری رسمی" است. ایلنا، ۲۰ دی‌ماه، نوشت: "دولت در تدوین لایحه خروج از رکود اقتصادی آن‌قدر هوشیارانه عمل کرد که حاضر نشد بدون طی تشریفات قانونی صحبتی از اصلاح قانون کار به میان بیاورد." پیشنهادِ حذفِ ماده‌های ۱۶ و ۱۷ لایحه، که به تغییرِ قانون کار و بیمه تأمین اجتماعی کارگران مربوط می‌شوند، در ۲۱ دی‌ماه، در مجلس، رأی نیاورد و به‌پیشنهادِ لاریجانی برایِ "بررسی بیشتر و اتفاق‌نظر دولت و مجلس به کمیسیون بررسی لایحهٔ رفع موانع تولید ارجاع" شد. حسین حبیبی، دبیر کانون‌هماهنگی‌شوراهای‌اسلامی‌کار استان تهران، به ایلنا، ۲۳ دی‌ماه، گفت: "اعضایِ دولتی، کارفرمایی و کارگری شورای‌عالی‌کار به‌اتفاق با مواردی که در ماده ۱۶ این لایحه برای تغییر قانون کار پیش‌بینی شده است مخالفت کردند." حبیبی افزود: "یکی از نمایندگان دولت که همراه آقای هفده‌تن در جلسه حضور داشت، بطور مشخص و صریح گفت که در شرایط فعلی مقررات کنونی روابط کار مانع تولید محسوب نمی‌شود و دولت نیز قصد ندارد با تهیه لایحه جدیدی برای اصلاح قانون کار باعث ناآرام شدن جو بازار کار شود." تجاوز به حقوقِ کارگران صرفاً به‌وسیلهٔ مادهٔ ۱۶ لایحه نیست، بلکه واپس‌گرایان بر آنند که کارگران را "به مرگ بگیرند تا به تب راضی شوند."

ربیعی، وزیر کار و یکی از بانیانِ قراردادهای موقتِ کار در کشورمان، ۱۳ اردیبهشت‌ماه، اعلام کرد: "در بازرسی‌های کار تجدیدنظر و برخی از بازرسی‌ها را برون‌سپاری کردیم." برایِ نشان دادن پیامدهای عملکردهای ضدکارگری و ضدِ انسانی رژیمِ ولایت‌فقیه، به دو گزارش اشاره می‌کنیم. ایلنا، ۲۱ دی‌ماه، از کشته شدن ۵۱ کارگر در استانِ همدان "بر اثرِ حوادث کار طی ۹ ماهِ" قبل، و همچنین از افزایش "۲۸ درصدی مجروحان سوانح" و افزایشِ "۱۵ درصدیِ" تعداد کشته‌شدگان در مقایسه با مدتِ مشابهِ سال گذشته گزارش داد. در همان روز، خبرگزاری ایسنا نوشت: "کشور ما رکورد[دار] حوادث مربوط به هنگام کار ساختمانی در دنیاست" و "نبودِ نظارت صحیح از سویِ سازمان نظام‌مهندسی‌ساختمان، شهرداری‌ها و وزارتِ راه و شهرسازی، نبودِ بازرسی مستمر از کارگاه‌های ساختمانی توسط وزارتِ تعاون، کار و رفاه اجتماعی و نبودِ قوانین بازدارنده" را دلیل‌های افزایش حوادثِ کار عنوان کرد. در گزارشِ بالا "اجباری کردنِ رعایت مسائل ایمنی در کارگاه‌ها و نیز شناسایی و تنبیه کارفرمایان متخلف در جریانِ بازرسی‌های مستمر" را از راهکارهای عملی برای کاهش این حوادث خواند. بنا برگزارشِ ایسنا، ۲۷ دی‌ماه، هفده‌تن، معاونِ وزیرِ کار، اعلام کرد: "بیش از ۹۰درصد حوادث ناشی از کار در واحدهای تولیدی زیرِ ۲۵ نفر که فاقد کمیته حفاظت فنی و بهداشت هستند اتفاق می‌افتد." جالب این‌جاست که به‌جایِ استخدام بیشتر بازرسان با قراردادهای مستقیم و افزایشِ تعدادِ بازرسی‌ها، بنا بر گزارشِ ۱۷ دی‌ماهِ ایسنا، هفده‌تن "از اجرایِ مدلِ جدید بازرسی خودکار در کارگاه‌های تولیدی" خبر داد و گفت: "با اجرایِ موفقیت‌آمیز این مدل سالانه ۱۰۰۰ میلیارد تومان از هزینه‌های سازمان تأمین اجتماعی بابت پرداخت غرامت حوادث ناشی از کار کاهش می‌یابد. ... در مدلِ جدید سیستم خودبازرسیِ کار، نگاهِ غرامت‌محوری و جریمهٔ کارفرما کاملاً امحاء شده" است. هفده‌تن افزود: "چنانچه دستاوردهای آن [سیستم خودبازرسی کار] در پایان سال ۹۴ قابل‌توجه باشد، در سازمان‌بین‌المللی‌کار (ILO"") به نام ایران در دولتِ تدبیر و امید ثبت و از تجربیاتِ موفق این طرح، کشورهایِ عضو ILO بهره‌مند خواهند شد." به‌عبارت‌دیگر، دولتِ "زور و تزویر"، به "برون‌سپاریِ" بازرسی‌ها و نابود کردنِ امنیتِ شغلیِ نیرویِ کار با به‌کارگیری لایهٔ انگلی پیمانکارانِ نیرویِ کار بسنده نکرده است و درنظر دارد با مدلِ "خودبازرسی" و "امحاءِ کامل" غرامت و جریمهٔ کارفرما در حوادثِ کار، بازرس‌ها را نیز حذفِ کند. با ارائه "دستاوردها" و "تجربیاتِ موفقِ این طرح" به سازمانِ‌بین‌المللی‌کار، هدفِ رژیم دیکتاتوریِ ولایت‌فقیه کسب عنوانِ پیشتاز در اجرایِ سیاست‌های "آزادسازی" اقتصادی در جهان است. دقیقاً به میزانِ همان ۱۰۰۰ میلیارد تومانی که واپس‌گرایان قصد دارند با نپرداختنِ "غرامت" به کارگران در حوادث کار "صرفه‌جویی" کنند، قرار است برای "بهره‌برداری از شبکه اجتماعی باشگاه کارآفرینان [کارفرمایان]"، از محلِ درآمدهای "هدفمندی یارانه‌ها (افزایش قیمتِ نانِ زحمتکشان)، سالِ آینده به نهادِ انگلیِ "صندوق مهر امام رضا" پرداخت شود (ایسنا، ۱۹ دی‌ماه).

با انسجام بخشیدن به اعتراض‌های پراکندهٔ کارگری به‌هدفِ احیایِ حقوقِ سندیکایی، با تشکیلِ سندیکاهای مستقلِ کارگری، و با درپیش گرفتن مبارزه‌یی متحد و پیگیر، باید به این‌همه تجاوز به منافعِ طبقاتی کارگران پایان داد.

اطلاعیه دبیرخانه کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران درباره درگذشت رفیق محمد لطیفی، عضو کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران

بدرود رفیق لطیفی!

از آخرین عکس های رفیق لطیفی در جریان ششمین کنگره حزب

رفیق محمد لطیفی، عضو کمیته مرکزی حزب تودهٔایران، روز پنجشنبه ۲ بهمن ماه ۱۳۹۳(۲۲ ژانویه ۲۰۱۵)، به علت بیماری قلبی،در شهر مونپلییه فرانسه درگذشت. رفیق لطیفی در ۴ تیرماه ۱۳۰۶،در شهر آمل متولد شد و از همان عنفوان جوانی، در سال ۱۳۲۴، به صفوف سازمان جوانان حزب و در سال ۱۳۲۷، به صفوف حزب تودهٔ ایران پیوست. رفیق لطیفی پیش از کودتای ۲۸ مرداد عضو کمیته بخش حزب و مسئول کمیته بخش سازمان جوانان، مسئول ارتباط با زندانها و پس از رفیق آشوت شهبازیان، مسئول کمیسیون تفتیش کل در سازمان جوانان حزب بود. رفیق لطیفی از فعالان جنبش صلح در ایران بود و در سال های قبل از کودتا در چارچوب هییت نمایندگی جمعیت هواداران صلح در اجلاس شورای جهانی صلح، در رومانی، شرکت کرد.

در پی کودتای رژیم شاه در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، رفیق لطیفی به زندگی مخفی روی آورد، ولی در بهار سال ۱۳۳۳ دستگیر و جزو گروه ۶۱ نفر بود که به جزیره خارک تبعید شد. در این گروه رفقایی چون آرسن آوانسیان، سروان مرزبان، تقی باقری و .... بودند. اسم مستعار رفیق لطیفی، محمد شاهین دشتی بود که در اطلاعیه فرماندار نظامی هم به همین نام امده است. رفیق لطیفی پس از بازگشت از تبعید به زندان قزل قلعه منتقل شد و ۲ سال را در آنجا گذراند.

رفیق لطیفی پس از آزادی از زندان به فعالیت های خود ادامه داد و در دهه ۱۳۵۰ در تلاش برای برقراری تماس با کمیته تهران با خطر پیگرد گزمگان ساواک رو به رو شد و در سال ۱۳۵۶، ناچار به مهاجرت به فرانسه شد. رفیق لطیفی با پیروزی انقلاب به ایران بازگشت و فعالیت های خود را در صفوف حزب به شکل غیر علنی ادامه داد. با یورش رژیم جمهوری اسلامی،و در پی موج دوم دستگیری های رهبران و کادرهای حزبی،رفیق لطیفی از کشور خارج شد و دوباره به فرانسه مهاجرت کرد.

رفیق لطیفی در تمامی دوران دشوار مهاجرت پیگیر و استوار به فعالیت های سیاسی خود ادامه داد و در جریان چهارمین کنگره حزب تودهٔ ایران به عضویت کمیتهٔ مرکزی حزب برگزیده شد. رفیق لطیفی از همکاران «نامه مردم» بود و در سال های اخیر، به عنوان نماینده کمیته مرکزی حزب ما در کنگره های حزب کمونیست فرانسه، پرتغال، ایتالیا و سمینار بین المللی حزب های کارگری و کمونیستی در بلژیک شرکت کرد. آخرین دیدار رفقا با رفیق لطیفی، در جریان نشست کمیته مرکزی حزب مان در ماه های اخیر بود. رفیق با همان شور و شوق درگیر تبادل نظرهای نشست کمیته مرکزی پیرامون مسایل مختلف ایران و جهان بود و بر باور عمیق و خلل ناپذیر خود بر مارکسیسم-لنینیسم و پیروزی زحمتکشان بر اردوی سرمایه تأکید می کرد. رفیق لطیفی در تمام دوران فعالیت خود، رفیقی منضبط، دقیق، نکته سنج، باروحیه و شاد و سراپا اعتقاد بود و تا پایان عمر به راهی که برگزیده بود، وفادار ماند. او از نسلی پرافتخار بود که زندگی شان مبارزه، ایثار، ایمان و از خودگذشتگی بود. با درگذشت رفیق لطیفی، حزب ما مبارزی پرشور و پیگیر را از دست داد. کمیته مرکزی حزب ما درگذشت رفیق لطیفی را به خانواده و بازماندگان او و همه رفقا و هواداران حزب تسلیت می گوید. یادش پایدار و راهش پر رهرو باد!

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران، ۴ بهمن ماه ۱۳۹۳

ورشکستگیِ بخش کشاورزی و رشدِ فقر در روستاها

چگونگیِ اختصاص دادنِ اعتبار به بخشِ کشاورزی در لایحهٔ بودجهٔ سال ۹۴، نگرشِ دولت و رژیم ولایت‌فقیه را به بخش‌های تولیدی- اعم از کشاورزی و صنعتی- و سیاست‌های‌شان را در این عرصه آشکار می‌کند. کاهشِ اعتبارها و بی‌توجهی به زندگی میلیون‌ها دهقان در سراسر کشور، از ویژگی‌های لایحهٔ بودجه سال ۹۴ است، و از این نظر با لایحه‌های بودجه در دولت احمدی‌نژاد و دیگر دولت‌های جمهوری اسلامی- به‌ویژه دولت "سازندگی"- تفاوت چندانی ندارد.

همزمان با انتشار لایحهٔ بودجه، رییس سازمان تعاون روستایی آذربایجان شرقی ضمن انتقاد از بی‌توجهی به بخش کشاورزی هنگام تدوین لایحه بودجه، اعلام کرد که، کشاورزان و کارگران کشاورزی با مشکلات جدی بیمه تأمین اجتماعی و کاهش سطح درآمد روبه‌رو هستند. خبرگزاری مهر، ۱۸ آبان‌ماه، دراین‌باره گزارش داد: "رییس سازمان تعاون روستایی آذربایجان شرقی گفت، مشکلات بیمه تأمین اجتماعی کشاورزان و کارگران کشاورزی پیگیری شود... [و] در خصوص افزایش خرید تضمین محصولات کشاورزی... خواستار حمایت... از خرید تضمینی برخی دیگر از محصولات کشاورزی شد."

به‌علاوه، در مخالفت با کاهشِ حمایت از بخش کشاورزی در لایحه بودجهٔ سال آینده (۹۴)، ۳۳ انجمن علوم کشاورزی در نامه‌یی سرگشاده به روحانی، از کاهشِ چشمگیر اختصاص اعتبار به بخش کشاورزی- به‌ویژه تحقیقات کشاورزی- انتقاد و ابراز نگرانی کردند. خبرگزاری "ایانا"، "خبرگزاری کشاورزی ایران"، ۲۶ آذرماه، نوشت: "اتحادیه انجمن‌های علوم کشاورزی مدرن کشور متشکل از ۲۳ انجمن علمی تخصصی کشاورزی مدرن... طی نامه‌ای به حسن روحانی... از کاهش اعتبارات بخش کشاورزی در بودجه ابراز نگرانی کردند. ..." در نامه این اتحادیه آمده است: "کمبود تاریخی سرمایه در بخش کشاورزی ایران، حداقل در کوتاه‌مدت امیدی به دستیابی رشد از طریق افزایش عوامل تولید باقی نمی‌گذارد. تحقیقات کاربردی به‌عنوان موتور محرکه به‌واسطه بدنه بالنسبه بزرگ و کارآمد بخش علمی... می‌تواند حداقل در کوتاه‌مدت خلأ ناشی از گریز سرمایه از بخش کشاورزی را جبران کند، اما متأسفانه در لایحه بودجه سال ۹۴ نه‌تنها به اهمیت بخش کشاورزی در کمک به خروج از رکود تورمی کمتر توجه شده و بودجه دستگاه متولی از رشد منفی واقعی برخوردار است، بلکه شدت بی‌توجهی به بودجه تحقیقات کشاورزی عملاً حتی امکان جبران تورم برآوردی در لایحه را هم فراهم نمی‌کند. این امر موجبات نگرانی فراوان انجمن‌های علمی و متخصصین مستقل را فراهم آورده است. عدم توجه لازم و کافی دولت به بخش کشاورزی نه‌تنها گریز سرمایه از بخش (کشاورزی) را تشدید می‌کند بلکه کاهش بودجه واقعی تحقیقات کشاورزی، عملاً بخش [کشاورزی] را در مقابله با کمبودهای موجود، خلع سلاح می‌کند."

نامهٔ اتحادیه انجمن‌های علوم کشاورزی مدرن درحالی انتشار یافته است که با اجرای فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها، و در آستانهٔ اجرای فاز سوم هدفمندی یارانه‌ها، این طرح ضدمردمی و دیکته‌شده از سوی نهادهای امپریالیستی به کشورمان، سایهٔ شوم فقر زندگی روستاییان را به تباهی کشانده است.

خبرگزاری "ایانا"، ۱۹ آذرماه، نیز گزارش داده بود: "نمایندگان مجلس شورای اسلامی، کارگاه‌های کشاورزی با حداکثر پنج نفر کارگر را از پرداخت سهم بیمه کارفرمایی معاف کردند." این اقدام مجلس بیش‌ازپیش به‌زیان کارگران کشاورزی و دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین سراسر کشور است و رشد فقر در ابعادی هولناک‌تر را فراهم می‌کند. در همین‌حال، مرکز آمار جمهوری اسلامی، در گزارشی، از رشدِ هزینهٔ زندگی در روستاها و کاهشِ درآمدِ روستاییان پرده برداشت. از سال ۹۲ به این‌سو، شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی خانوارهای روستایی افزایش یافته و درآمد آن‌ها کاهش داشته است. فقر در روستاها و کمبود سرمایه و نبودِ حمایت از بخش کشاورزی سبب گردیده است که کشت، برداشت، و تولید محصولات راهبردیِ کشاورزی در داخل کشور با خطر نابودی روبه‌رو شوند.

خبرگزاری "ایسنا"، ۱۰ دی‌ماه، گزارش داد: "پنج محصول استراتژیک یعنی چای، برنج، ابریشم، بادام و زیتون درحال نابودی است... بانک‌ها کشاورزان را به خاک سیاه کشاندند و محصولات استراتژیک درحال نابودی است." روند شتابانِ مهاجرت از روستاها به شهرها و خالی شدنِ درصد بزرگی از روستاهای کشور از سکنه را به این مسئله باید افزود.

عامل نابودیِ کشاورزیِ کشور، برنامه‌های اقتصادی- اجتماعی رژیم ولایت‌فقیه، و در لحظه حاضر، به‌ویژه برنامهٔ آزادسازیِ اقتصادی است!

بهداشت و سلامتِ جامعه در چنبرهٔ برنامهٔ خصوصی‌سازی
خصوصی‌سازی، سببِ طبقاتی‌تر شدنِ دسترسی به امور درمان پزشکی است

میزان و ترکیب اختصاصِ اعتبار به بخشِ درمان و سلامت در لایحهٔ بودجهٔ سال آینده ۹۴، به محل بحث و مناقشه میان دولت، گروهی از نمایندگان مجلس، و کارشناسان مستقل و صاحب‌نظر بدل گردیده است.

چندی پیش معاون حقوقی و امور مجلس وزارت بهداشت اعلام کرد، دولت با حمایتِ مجلس مصمم به ادامه و اجرای طرح "تحولِ سلامت" در سال ۹۴ هستند. خبرگزاری "ایرنا"، ۸ دی‌ماه، دراین‌باره نوشت: "معاون حقوقی وزارت بهداشت گفت، مجموع اعتبارات بخش سلامت در لایحهٔ بودجهٔ ۹۴ در نگاهِ اول رشدی مناسب را نشان می‌دهد، اما تحلیل نهایی ارقام پیش‌بینی‌شده در لایحه و ترکیبِ آن‌ها مبین آن است که رشد اعتباراتِ هزینه‌ای بخش سلامت فقط ۵٫۵ درصد است." اما نکتهٔ فوق‌العاده بااهمیت در بین تبصره‌ها و ماده‌های لایحهٔ بودجهٔ سال ۹۴- که از سوی مسئولان رژیم به‌ویژه دست‌اندرکاران وزارت بهداشت ناگفته مانده و دربارهٔ آن سکوت اختیار گردیده است- عبارت است از:

ادامه در صفحه ۵

ادامه درباره اوضاع عراق ...

نیروهای زمینی خارجی به کشور ما فرستاده شود. طیف گسترده‌ای از نیروهای سیاسی و مردمی نیز با چنین درخواستی مخالفت کرده‌اند.

حزب ما از ورود نیروهای نظامی زمینی خارجی به خاک عراق حمایت نمی‌کند. گردن گذاشتن به چنین درخواستی به نوعی طفره رفتن از مسئولیتِ ملّی برای گردآوری و آماده‌سازی توانایی‌های نیروهای عراقی و تصمیم‌گیری‌های مستقل داخلی است. گسیل نیروهای زمینی خارجی در عین حال نقض جدّی استقلال و حق حاکمیت ملّی عراق است. چنین اقدامی (گسیل نیروهای زمینی خارجی) پیامدهای سیاسی درازمدت منطقه‌یی خواهد داشت که بی‌ثباتی و تشنّج را در منطقه افزایش خواهد داد. چنین کاری به‌واقع نوعی بازگشت به اِشغال (پس از تجاوز آمریکا و بریتانیا و متحدان‌شان به عراق و سرنگون شدن صدام) است که واکنش‌های مردمی را برضد آن برخواهند انگیخت و نیروهای تروریستی می‌توانند از آن به سود خود بهره‌برداری کنند. به‌علاوه، این خطر نیز وجود دارد که از حضور نیروهای نظامی خارجی در عراق به سود نقشه‌های منطقه‌یی و جهانی گوناگون بهره‌برداری شود.

ائتلاف بین‌المللی به جلوگیری از گسترش فعالیت "داعش" کمک کرده است، که همخوان با منافع عراق است. امّا ما خوب می‌دانیم که اعضای ائتلاف، منافع و نقشه‌های درازمدت خود را نیز در این منطقه و در سطح بین‌المللی دنبال می‌کنند. آنها صرفاً برای حفاظت از عراق نیست که حاضر به چنین مداخله‌ای شده‌اند، بلکه به فکر محافظت از خودشان در برابر دشمن مشترک، یعنی "داعش"، هم هستند. در عین حال، آنها هدف‌های دیگری نیز دارند که فراتر از اینهاست، و به مسئلهٔ سوریه، به مسئلهٔ نفوذ ایران در منطقه و عراق، به توازن نیروها در مناقشهٔ میان اسرائیل و فلسطین، و به تلاش برای بازچینی اوضاع منطقه مطابق با منافع‌شان مربوط می‌شود. عجیب نیست که نیروهای ائتلاف بین‌المللی، به سرکردگی آمریکا، می‌کوشند که از این مداخلهٔ نظامی محدود، و افزایش نفوذ سیاسی‌شان در نتیجهٔ این اقدام، به سود تأمین منافع درازمدت‌شان بهره‌برداری کنند.

اشاره و توجه به این نکته مهم است که: درست نیست که رابطهٔ میان آمریکا و داعش را صرفاً از منظر یک توطئه‌چینی ساده ببینیم. آمریکا به پایه‌گذاری و شکل‌گیری سازمان‌های تروریستی کمک کرده است، و تلاش می‌کند که از آنها برای دست یافتن به هدف‌هایی که مطابق با منافعش است استفاده کند. امّا آمریکا زمانی مداخله می‌کند که این سازمان‌های تروریستی رشد کرده و شروع به تهدید کردن منافع آمریکا کرده‌اند، همان‌طور که "داعش" اکنون می‌کند، و همان‌طور که طالبان و دیگران پیش از این کردند.

چه برخوردی با این چالش‌ها داشته باشیم؟

حزب کمونیست عراق در واکنش به تاخت‌وتاز "داعش" و متحدانش در روز ۱۰ ژوئن ۲۰۱۴ (۲۰ خرداد ۹۳) و آنچه پس از آن رخ داد، بر نیاز به سرعت بخشیدن به تشکیل یک دولت اتحاد ملّی فراگیر بر مبنای یک برنامهٔ ملّی جامع تأکید داشته است. ترمیم بافت ملّی کشور، حل‌وفصل اختلاف‌هایی که کوشش‌های جمعی ملّی را فلج کرده‌اند و می‌کنند، و انجام اقدام‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی‌ای که نیروهای مسلّح را توانمند کنند تا این نیروها بتوانند کنترل شهرهایی را که به دست تروریست‌ها غارت و ویران شده‌اند هرچه زودتر بازپس بگیرند، همه مستلزم تشکیل چنان دولتی است که پیشتر به آن اشاره شد.

حزب ما بر تجدید سازمان ارتش و دیگر نیروهای مسلّح، پاکسازی آن از عناصر فاسد، ریشه‌کن کردن فساد گسترده در آن، بازسازی نیروهای مسلّح نظامی صرفاً بر اساس تابعیت، و در پیش گرفتن یک خط مشی ملّی ورای وابستگی‌های قومی و فرقه‌یی تأکید داشته است و دارد. بهبود سطح هماهنگی میان نیروهای فدرال و پیشمرگه‌های منطقهٔ کردستان نیز ضرورتی مبرم است. ضمن اینکه باید به سهم مهمی که "نیروهای بسیج مردمی" و قبیله‌ها در پیکار مشترک با "داعش" و تروریسم داشته‌اند تأکید داشت، ولی همهٔ تشکل‌های مسلّح باید تحت نظارت و کنترل نیروهای مسلّح کشور قرار بگیرند.

حزب ما همچنین خواستار تشکیل یک "کنفرانس ملّی" شده است تا در آن، روند تحوّل سیاسی کشور بازنگری شود و با کنار گذاشتن تقسیم قدرت بر اساس وابستگی‌های قومی-فرقه‌یی و فرقه‌گرایی سیاسی، این علّتِ ریشه‌یی بحران کنونی برطرف شود. این تنها راه برای ساختن یک عراق فدرال و دموکراتیک متحد است. یکی از هدف‌های مهم "کنفرانس ملّی" باید بحث دربارهٔ "آشتی ملّی" باشد که جزو اولویت‌های توافقنامهٔ سیاسی‌ای بود که گروه‌ها و بلوک‌های سیاسی گوناگون آن را به عنوان کارپایه‌ای برای دولت جدید به رهبری نخست‌وزیر حیدر العبادی پذیرفته‌اند.

کمونیست‌ها و سازمان‌های حزبی‌شان در سراسر عراق فعالانه در کوشش ملّی برای مبارزه با تروریست‌های ماورای ارتجاعی و شکست دادن آنها و کمک‌رسانی انسان‌دوستانه به آوارگان جنگ شرکت داشته‌اند. اعضا و هواداران حزب ما چه از طریق تشکّل‌های داوطلبانهٔ دولتی و چه به صورت واحدهای پارتیزانی (در منطقه‌هایی که پارتیزان‌های کمونیست پیش از این در آنها فعال بوده‌اند) در مبارزات مسلّحانه با "داعش" شرکت داشته‌اند. رفقای ما بنا به ضرورت، و شرایط مشخص مکانی و زمانی، با نیروهای پیشمرگه یا ارتش عراق همکاری و فعالیت‌های رزمی خود را با آنها هماهنگ کرده‌اند.

کمونیست‌ها، در کنار دیگر نیروهای دموکرات، در مبارزه با فرقه‌گرایی و ملّی‌گراییِ افراطی (شوونیسم) و تعصب ناسیونالیستی، و در مبارزه برای حفظ وحدت ملّی و رعایت حقوق بشر و دموکراتیک، نقش حیاتی و مهمی داشته و دارند. حزب ما با نقشه‌هایی که هدف‌شان تقسیم عراق بر مبنای مرزبندی‌های فرقه‌یی است نیز قاطعانه مخالف است. فقط مردم عراق هستند که حق دارند به طور دموکراتیک، با ارادهٔ مستقل خودشان، و بدون دخالت قدرت‌های خارجی دربارهٔ آیندهٔ خود تصمیم بگیرند، و تلاش‌هایی را که برای تحمیل طرح‌هایی صورت می‌گیرد که در خدمت نقشه‌ها و هدف‌های امپریالیستی برای تأمین سرکردگی و استثمار است، طرد کنند.

راه‌حل و چارهٔ اساسی برای دشواری‌های کنونی کشور ما و بحران مزمن و غیرقابل‌مهاری که هم‌اکنون در آن فرو رفته است، **رهاشدن از قیدو بند نظام فرقه‌یی-قومی تقسیم قدرت**، پایبندی به ارزش‌های دموکراسی واقعی با همهٔ نهادها و جنبه‌های اجتماعی و سیاسی آن، و ساختن کشور مطابق با اصول دموکراسی است. شیوهٔ کار دولت و حکومت باید ضامن احترام به حقوق بشر، چه از لحاظ سیاسی و چه از لحاظ اجتماعی، و تضمین کنندهٔ حقوق برابر شهروندی، عدالت اجتماعی، استقلال و حاکمیت ملّی عراق باشد. برقراری یک دولت مدنی دموکراتیک که همهٔ پیش‌نیازهای ضروری را برای توسعهٔ پایدار اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی فراهم کند، و از ثروت بی‌کرانِ مردم و کشور به سود شهروندان و بهروزی و رفاه و شکوفایی و پیشرفت اجتماعی آنها بهره بگیرد، فقط از همان راهی که گفته شد میسّر است.

همبستگی بین‌المللی

در این پیکار بحق و عادلانهٔ ما، برخورداری از همبستگی بین‌المللی ضرورت تامّ دارد. ولی هر گونه حمایت بین‌المللی که در اختیار عراق در مبارزه‌اش با تروریسم قرار داده می‌شود، باید بر اساس قوانین بین‌المللی و در چارچوب سازمان ملل متحد باشد. در این ارتباط باید گفت که ادامهٔ کمک‌رسانی‌های بشردوستانه به صدها هزار آوارهٔ عراقی اهمیت فراوانی دارد. برای قطع کردن حمایت مالی نیروهای ارتجاعی عرب و منطقه به "داعش" و متحدانش و بستن راهِ رساندن کمک‌های مادّی و نیروی انسانی از خارج به آنها، باید اقدام‌های مؤثری صورت بگیرد.

و بالاخره اینکه جنایت‌هایِ وحشیانه‌یی را که علیه مردم عراق صورت گرفته است، و همهٔ آنهایی را که مرتکب این جنایت‌ها شده‌اند، باید قاطعانه محکوم کرد. ما از همهٔ حزب‌های برادر و همهٔ نیروهای صلح‌دوست و ترقی‌خواه جهان می‌خواهیم که حمایت خود را از مردم عراق و نیروهای دموکرات عراقی در مبارزه‌شان با نیروهای تروریستی ماورای ارتجاعی و با فرقه‌گرایی سیاسی، و در تلاش‌شان در راه ایجاد یک عراق فدرال و دموکراتیکِ متحد اعلام کنند و با آنها اعلام همبستگی کنند.

دربارهٔ اوضاع عراق

مطلب تهیه شده برای «نامه مردم» توسط رفیق سلام علی، عضو رهبری حزب کمونیست عراق

روز دهم ژوئن ۲۰۱۴ (۲۰ خرداد ۹۳) سازمان تروریستی "داعش" و متحدان آن، از جمله باقی‌مانده‌ها و طرفداران دیکتاتوری فاشیستی صدام، به شهر موصل حمله کردند و کنترل این دوّمین شهر بزرگِ عراق را به دست گرفتند، و موجی از جنایت‌های وحشیانه برضد ده‌ها هزار تن از مردم عادی و غیرنظامیان بی‌گناه به راه انداختند. در روزها و هفته‌های پس از این حمله، دنیا شاهد ارتکاب جنایت‌های پی‌درپی ضدبشری این تروریست‌ها علیه غیرنظامیان بی‌گناه عراقی بود. اقلیت‌های مذهبی و قومی، و به‌ویژه مسیحیان، یزیدی‌ها، ترکمن‌ها و شَبَک‌ها جزو قربانیان این جنایت بودند. تبهکاران مهاجم، صدها زن جوان و کودک یزیدی را ربودند و با خود بردند. کشتار جمعیِ حدود ۱۷۰۰ سرباز وظیفهٔ جوانِ غیرمسلّح در پایگاه نظامی "سایکر" در استان صلاح‌الدین یکی دیگر از جنایت‌های جنگیِ فجیعی بود که یکی از هدف‌های آن، شعله‌ور ساختن کشمکش‌های فرقه‌یی بود. اخیراً کشتارهای جمعی بیشتری در استان الانبار صورت گرفت که قربانیان آن قبیله‌هایی بودند که در برابر "داعش" مقاومت کرده بودند. کشتارهای تروریستی این چند ماه اخیر در عراق، منجر به فاجعه‌ای انسانی در کشور ما شده است. در حدود ۲ میلیون نفر امسال بر اثر حمله‌های خشونت‌بار در عراق آواره شده‌اند. بر اساس گزارش‌های سازمان ملل متحد، فقط در ماه اوت ۲۰۱۴ (مرداد-شهریور ۹۳) ۸۵۰ هزار نفر از محل سکونت خود گریختند.

پس از دهم ژوئن ۲۰۱۴ (۲۰ خرداد ۹۳) منطقهٔ زیر کنترل داعش به شماری از شهرها و شهرستان‌ها و روستاهای عراق، به طور عمده در پنج استان نینوا، صلاح‌الدین، الانبار، کرکوک و دیاله گسترش یافت که در مجموع در حدود یک‌سوّم مساحت عراق و یک‌پنجم جمعیت کشور را در بر می‌گیرد.

پیشینه

حزب ما پیش از این نیز تحلیل خود را در مورد زمینه‌ها و پیشینهٔ رخدادهای اخیر، از جمله عوامل اجتماعی و اقتصادی آن، در اختیار حزب‌های برادر گذاشته است. زمینه‌های آنچه را که در عراق رخ داد نمی‌توان از آنچه در سال‌های اخیر بر عراق رفته است جدا و مجزّا کرد. کشور ما در بحران همه‌جانبه و ژرفی بوده است که ناشی از سال‌های طولانی دیکتاتوری و استبداد، پیامدهای اشغال آمریکا، و مداخلهٔ قدرت‌های منطقه‌یی در عراق است. این بحران ریشه در نظام تقسیم فرقه‌یی-قومی قدرتِ دولتی دارد که از سال ۲۰۰۳ (۱۳۸۱) تا کنون در عراق برقرار شده است. اوضاع بحرانی عراق، در عین حال نشان‌دهندهٔ برنامه و هدف نیروهای سیاسی حاکم و ستیز آنها با یکدیگر برای حفظ امتیازها و موقعیت‌شان در قدرت سیاسی کشور است. این در حالی است که بر اثر بیکاری لگام‌گسیخته، فساد، و ضعف و بدیِ خدمات دولتی مثل بهداشت و درمان و آموزش، و وخیم‌تر شدن ناامنی در کشور، رنج و خشم مردم بحق شدت یافته است.

ستیز گروه‌های حاکم بر سر قدرت و امتیازهای حکومتی زمینهٔ مناسبی را برای اسلامگرایی افراطی و گروه‌های مشکوک فراهم آورده است تا اقدام‌های تروریستی و جنایت‌های فجیع‌شان را شدت بخشند و عراق را به سوی کشمکش‌ها و درگیری‌های فرقه‌یی و جنگ داخلی بکشانند. **درسال ۲۰۱۳ (۱۳۹۱ - ۱۳۹۲) بیشتر از ۷۰۰۰ نفر بر اثر بمب‌گذاری در خودروها و انفجارهای انتحاری کشته شدند. در دو ماه ژوییه و اوت ۲۰۱۴ (تیر-شهریور ۹۳) در حدود ۳۰۰۰ نفر دیگر کشته شدند.** قربانیان این کشتارها به طور عمده مردم عادی و غیرنظامیان بی‌گناه، از جمله کارگران و بیکاران در مناطق فقیرنشین بوده‌اند.

حزب کمونیست عراق بارها و بارها در مورد خطر لغزیدن کشور به سوی ستیزه‌های فرقه‌یی هشدار داده است و خواستار اقدام فوریِ نیروهای دموکراتیک و تدوین و اجرای برنامه‌های مردمی برای تأمین و حفظ وحدت ملّی عراق شده است.

دستگاه انتظامی و نظامی کشور

این وضعیت پیامدهای منفی و وخیمی بر دستگاه انتظامی و نظامی داشته است. دستگاه انتظامی و نظامی عراق پس از تجاوز و اشغال سال ۲۰۰۳ (۱۳۸۱) بر اساس شیوهٔ تقسیم قدرت فرقه‌یی-قومی سازمان داده شد. از این دستگاه در بیرون از حوزهٔ عمل آن- که در قانون اساسی مشخص شده است- برای حل‌وفصل مسائل داخلی نیز استفاده کرده‌اند. از

این گذشته، دستگاه انتظامی و نظامی کشور فاقد یک برنامه و مشی ملّی و انسجام داخلی مشخص و قاطع بوده است، و تضادها و تغییرهای سیاسی و درگیری‌های میان گروه‌های سهیم در قدرت نیز در کارکرد آن تأثیر زیادی داشته است. همهٔ این عوامل بر کارآیی، اثربخشی و آمادگی این دستگاه اثر گذاشته است، و بنابراین سبب ضعف آن در برخورد و مقابله با فشارهای ناگهانی و عظیم (مثل حملهٔ "داعش") شده است. ضعفِ آموزش نیروهای انتظامی و نظامی، فعالیت‌های اطلاعاتی بی‌برنامه و بی‌فایده، و فساد گسترده در رده‌های گوناگون این دستگاه‌ها، از دیگر عوامل مهم در ناتوانی و ناکارآیی آنها بوده است. این واقعیت را نیز نباید نادیده گرفت که "داعش" و دیگر نیروهای تروریست اعضا و نفرهایی دارند که خوب آموزش دیده‌اند و پُرتجربه‌اند و پیش از این جزو نیروهای ارتش، انتظامی یا اطلاعاتی رژیم دیکتاتوری صدام بوده‌اند. این نیروهای باتجربه و آموزش‌دیده، در طراحی و اجرای عملیات تروریستی "داعش" و به راه انداختن جنگ و پیش بردن آن نقش اصلی را داشته‌اند.

موضع ما در مورد حضور نیروهای ائتلافی بین‌المللی در عراق

حزب ما از نیروهایی است که مدافع و خواستار خروج نیروهای آمریکایی و خارجی از عراق و باز یافتن استقلال کامل و حق حاکمیت ملّی عراق بوده است، و همواره در راه فراهم آوردن شرایط سیاسی و سازمانی، مدنی (غیرنظامی) و نظامی به منظور تثبیت و تحکیم قدرت دولتی عراق و دفاع از آن کوشیده است. امّا سوءمدیریت و ساختار نادرست دستگاه نظامی و دولتی کشور بر اساس تقسیم فرقه‌یی-قومی قدرت، و تشدید تفرقه و درگیری‌های درونی میان نیروهای حاکم، به تجزیه و چندپارگی ارادهٔ ملّی و از هم گسیختنِ وحدت ملّی انجامید. و سرانجام همهٔ اینها منجر به آن شد که شاهد یک مداخلهٔ بین‌المللی (پس از تهاجم "داعش") در عراق باشیم. به نظر ما این مداخله می‌بایست هدف‌های معیّن و محدودی داشته باشد، به‌ویژه آنکه بر پایهٔ قطعنامه‌های ۲۱۷۰ و ۲۱۷۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد (مصوّب مرداد و شهریور ۹۲ در مقابله با خطر تروریسم "داعش" و القاعده) و به درخواست دولت عراق صورت گرفته است. وقتی که هدف‌های معیّن شده تأمین شود، این مداخلهٔ بین‌المللی نیز باید پایان یابد. در تحلیل نهایی، عامل اصلی، عامل داخلی است، و عامل خارجی فقط نقش کمکی و حمایتی دارد. از عامل بین‌المللی فقط وقتی می‌توان به‌درستی بهره گرفت که وضعیت داخلی عاری از ناهنجاری‌های معمول در کشورهایی مثل عراق باشد.

این اواخر عده‌ای در عراق به این بهانه که نیروهای عراقی قادر به مقاومت در برابر "داعش" و شکست دادن آن نیستند، خواستار آن شدند که ائتلاف بین‌المللی نیروهای نظامی زمینی نیز به عراق بفرستد. امّا دولت عراق بر موضع خود اصرار داشته است که حاضر نیست درخواست کند که

ادامه در صفحه ۱۳

ادامه رویدادهای ایران ...

خصوصی‌سازیِ امور درمان، بهداشت و سلامت جامعه در بطنِ برنامهٔ آزادسازیِ اقتصادی!

معاون حقوقی وزیر بهداشت- بدونِ توضیح جامع درباره "درآمدزداییِ" وزارت بهداشت در سال آینده- اعلام می‌کند: "آنچه موجب این تصور شده که اعتبارات بخش سلامت ۷۰ درصد رشد داشته، رشد ۱۲ درصدیِ ارقام درآمدِ اختصاصی در لایحهٔ بودجه سال ۹۴ است... به‌عبارت‌دیگر، پیش‌بینی شده که در سال ۹۴ بخش سلامت بیش از دو برابرِ سال ۹۳ فروشِ خدمات و درنتیجه درآمد خواهد داشت... فروشِ خدمات سلامت که هزینهٔ آن از دو بخش شامل پرداختی از سوی بیمه‌های درمانی و پرداختی مستقیم از سوی مردم است، تأمین می‌شود." به‌عبارت دقیق‌تر، بر بخش درمان، بهداشت و سلامت چوب حراج و واگذاری به بخشِ خصوصی زده می‌شود. واگذاریِ بیمارستان‌های دولتی و خصوصی‌سازیِ بیمه‌های درمانی اکنون در اولویت برنامه‌های دولت در راستای اجرای "اقتصادمقاومتیِ" ولی‌فقیه قرار دارد.

خصوصی‌سازیِ بیمارستان‌ها، از چندی قبل، با مشارکت بنیادهای انگلی آغاز شده و طرحی به نام "طرح واگذاریِ بیمارستان‌های دولتی به نیکوکاران" تدوین شده و مرحله‌های نخستینِ اجرای آن کلید خورده است.

ایسنا، ۴ دی‌ماه، گزارش داده بود: "عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس‌شورای‌اسلامی گفت، برای موفقیت در حوزه سلامت باید از ظرفیت خیّرین [یعنی نیکوکاران، و به‌طورعمده تاجران عمدهٔ بازار] و بخشِ خصوصی بیشترین استفاده را کرد." پس از آن، ایرنا، ۶ دی‌ماه، از قول معاون کل وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی، گزارش داد: "طرح و چهارچوبی تهیه شده تا ادارهٔ بیمارستان‌های ساخته‌شدهٔ دولتی به خیّران واگذار شود... خیّران [بخوان: روحانیون ثروتمند حکومتی، تجار بازار، و بنیادهای مذهبی] می‌توانند با استفاده از مشورت کارشناسان و تسهیلات وزارت بهداشت، ادارهٔ بیمارستان‌های دولتی را در دست بگیرند... تاکنون مدیریت بخش‌های کوچک درمانی به خیّران واگذار شده اما در سطحِ مدیریتِ بیمارستانی درحالِ مذاکره با خیّران هستیم."

خصوصی‌سازیِ بیمارستان‌ها منجر به آن خواهد شد که شمارِ اندکی بیمارستان مجهز و دارای کادر پزشکی و درمانی مجرب فقط و فقط در خدمت لایه‌های مرفه و ثروتمندان و گردانندگان مُعَمَم و مُکلای رژیم قرار می‌گیرند و اکثریت مردم به‌ویژه توده‌های محروم جامعه از دسترسی به حداقل امکان‌های درمانی و بهداشتی و پزشکی بازمی‌مانند. مطابق گزارش ایرنا، ۱۰ دی‌ماه، در چارچوب طرح دولت روحانی و در قالب "اقتصادمقاومتیِ" ولی‌فقیه، نخستین بیمارستان دولتی به بخش خصوصی و خیّران واگذار شد. ایرنا نوشت: "برای نخستین بار در کشور مدیریت یک بیمارستان دولتی بر اساس قراردادی ۱۰ ساله به بخش غیردولتی- انتفاعی سپرده شد." این بیمارستان به مؤسسهٔ "مُحِب" واگذار شد و نام آن بیمارستان "محب‌یاس" نام گرفته است. یکی از اعضای هیئت‌امنای مؤسسهٔ "محب" به خبرنگار ایرنا تأکید کرد: "بیمارستان محب‌یاس، نخستین بیمارستان ایرانی است که استانداردهای اتحادیهٔ اروپا را دریافت کرده به‌گونه‌ای که نقشهٔ ساختِ این بیمارستان در اروپا تأیید شده است." این بیمارستان در تهران واقع شده است. خصوصی‌سازیِ درمان و بهداشت به‌شدت زیان‌بار و در تضاد با منافعِ اکثریت جامعه قرار دارد.

اجرایِ فازِ سوم "هدفمندی یارانه‌ها"، و تصویبِ لایحهٔ "رفع موانع تولید"

به‌دنبال اجرایِ فازِ دوم "هدفمندی یارانه‌ها" به‌وسیلهٔ دولت روحانی، در اواخر پائیز سال جاری، کلیات لایحهٔ "رفع موانع تولید و خروج از رکود" در مجلس‌شورای‌اسلامی به‌تصویب رسید. بر پایهٔ این مصوبه، ابلاغیهٔ اصل ۴۴ ولی‌فقیه پیرامونِ خصوصی‌سازی شتاب خواهد گرفت و اصلاحات اساسی در سیستم بانکی کشور- با محوریت خصوصی‌سازیِ بانک‌ها- صورت می‌گیرد، و تغییرِ "قانون کار" - به‌ویژه آن بخشی از "قانون کار" که به موضوع قراردادها اختصاص دارد- و تغییرِ "قانون بیمه‌اجتماعی" و لغوِ بسیاری از تعرفه‌های گمرکی در این لایحه گنجانده شده است. وصولِ مطالبات بانکی، قانونِ بورس و معاملات اوراق بهادار نیز در این مصوبه مورد تأکید قرار گرفته‌اند. این مصوبه در پیوند با برنامهٔ آزادسازیِ اقتصادی و اجرایِ فاز سوم هدفمندی قرار دارد. "آسان‌تر شدنِ" واردات با حذف و تعدیل تعرفه‌های گمرکی، و اصلاح "قانون کار" و "قانون بیمه‌اجتماعی" در دل این مصوبه زیرِ نام "رفع موانع تولید" جای داده شده‌اند. پیش‌ازاین مصوبهٔ مجلس، رییس‌کل بانک‌مرکزی با ارائهٔ دستورالعملی با عنوان: "۱۱ ملاحظهٔ بانک مرکزی"، یادآور شده بود که تأمینِ سرمایه‌درگردش باهدف تأمینِ بازدهی بیشتر سرمایه، اولویت بانک مرکزی است و تسهیلات و اعتبارهای مالیِ بانک‌ها در اختیار واحدهایی قرار می‌گیرند که از توان رقابت‌پذیری برخوردارند و با تأمین سرمایه موردنیاز شرایط برای رشد آن‌ها فراهم خواهد شد. بلافاصله پس از این موضع‌گیریِ بانک‌مرکزی جمهوری‌اسلامی، اتاق‌بازرگانی و کنفدراسیون صنعت جمهوری‌اسلامی به حمایت از آن پرداختند و چنین سیاست‌هایی را موجب تقویتِ بخش‌خصوصی و مقررات‌زدایی و کوچک کردن دولت نامیدند. یکی از اعضای اتاق‌بازرگانی و از فعالان کنفدراسیون صنعت، به روزنامه دنیای‌اقتصاد در این خصوص خاطرنشان کرد که، حمایت دولت و دخالت آن در امور قدرت رقابت‌پذیری را در صنایع کاهش داده است... دخالت دولت در توزیع منابع به ایجاد رانت منجر می‌شود... طرح رییس‌کل بانک‌مرکزی، طرحِ درستی است و بخش‌خصوصی را تقویت می‌کند. بنگاهی را می‌توان رقابت‌پذیر دانست که بتواند در حالت عرضه وتقاضا رقابت کند. از سوی دیگر یکی از مسئولان خانهٔ صنعت، معدن و تجارت ایران، در مصاحبه با خبرگزاری ایسنا، با اشاره به سیاست‌های دولت و "اقتصادمقاومتی" خامنه‌ای، تأکید کرد که، باید با خصوصی‌سازی به سمت رقابت‌پذیری بیشتر برویم، باید شرایط مشابه با موازین شناخته‌شدهٔ اقتصادِ بازار در جهان ایجاد کنیم، حذفِ مقررات دست‌وپاگیر و دخالت دولت در اقتصاد، قدم‌های ارزنده‌ای از سوی وزارت‌اقتصاد و بانک‌مرکزی است. تعامل با جهان باید برای جلب و جذب سرمایه افزایش یابد. در همین‌حال، برخی از صنعت‌گران و تولیدکنندگان کوچک و متوسط با ابراز نارضایتی از وضعیت موجود و عدم دسترسی به منابع مالی و وام‌های بانکی، خواستارِ توجه مسئولان به تولید داخلی شدند. در این زمینه روزنامه اعتماد، ۸ آبان‌ماه، از قول معاون صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران، گزارش داد: "بانک مرکزی نگرش منفی برای ارائهٔ تسهیلات به صنایع کوچک دارد. ۱۰ درصد از صادرات و ۴۵ درصد از اشتغال با صنایع کوچک انجام می‌شود. ۹۴۳ شهرک و نواحی صنعتی مصوب شده است که ۷۳۳ مورد آن درحال واگذاری [خصوصی‌سازی] است."

دستورالعملِ بانک‌مرکزی و سیاست‌های ابلاغ‌شده از سوی مسئولان اقتصادی رژیم و دولت، همگی در راستای اجرای شتابانِ برنامهٔ خصوصی‌سازی و آزادسازیِ اقتصادی است. صنایع کشور- شامل صنایع بزرگ، متوسط، و کوچک- در سایهٔ اجرای این‌گونه سیاست‌ها، با کاهشِ تولید، رکود، و بیکاریِ کارگران و کارمندان خود دست‌به‌گریبانند. تمامی وعده‌های دولت برای اختصاص مبالغی از درآمدهای حاصل از اجرای آزادسازیِ اقتصادی به بخش تولید و صنعت، تا کنون بر روی کاغذ مانده است. فاز سوم "هدفمندی یارانه‌ها" و برنامه "رفع موانع تولید" فقط و فقط در راستای خصوصی‌سازیِ بیشتر و مقررات‌زدایی است، و بیش‌ازپیش به بنیهٔ تولیدی- به‌ویژه تولیدکنندگان و صنعتگران داخلی- آسیب و لطمه وارد می‌کند.

در این میان و در چارچوب این برنامه، دستمزد زحمتکشان نیز درحکم "عاملِ افزایشِ تورم"، افزایش نخواهد یافت، و گام‌هایی مشخص هم در مسیر آزادسازیِ دستمزدها در سال‌های پیش رو از سوی دولت و رژیم برداشته می‌شود. برنامهٔ "رقابت‌پذیری"ای که از سوی بانک‌مرکزی و مجلس اعلام می‌شود، آن رویِ سکهٔ خصوصی‌سازی مطابقِ نسخه‌های صندوق‌بین‌المللی‌پول و بانک‌جهانی است. این سیاست‌ها به‌شدت به‌زیان تولید و اقتصاد ملی کشور است!

ادامه «همایش سراسری اصلاح طلبان» ...

می‌رفت که قطعنامه به آن مسائل اشاره‌ای می‌داشت تا مخاطبان بدانند اصلاح‌طلبان دغدغه آنان را در سر دارند و آن مسائل نه فراموش شده‌اند و نه به بایگانی رفته‌اند."

استقبال اصول‌گرایانی مانند کاظم انبارلویی (سردبیر روزنامهٔ "رسالت") از بخش‌هایی از بیانیهٔ "همایش..." و تمجید از سخنان برخی از حاضران این گردهمایی پرسش‌برانگیز است. انبارلویی، درمقام یکی از تحلیل‌گران پرنفوذِ اصول‌گرا، در سرمقالهٔ "رسالت"، همراه با کنایه‌ها و یادآوریِ مکرر گناه فتنه‌گریِ "اصلاح‌طلبان"، به‌طورمشخص بر گرایش بارز این "همایش" به "کاروان اعتدال‌گرایی" انگشت می‌گذارد: "اظهارات سخنرانان در این نشست شیب افراط‌گری را ترک کرده و در یک منزلت اعتدال قرار گرفته است. این یک رویکرد مثبت است." انبارلویی با هوشمندی حیله‌گرانه‌ای، به صادق خرازی (چهرهٔ اصلاح‌طلب‌نمایی که به‌صورت‌عریان جنبش سبز را رد می‌کند) و مؤسسِ حزب فرمایشی "ندا"، اشاره می‌کند و می‌گوید: " این رویکرد به معنای آن است که اصلاح طلبان از ولایت شیطان فاصله می‌گیرند و نمی‌خواهند حوادث تلخی مثل فتنه ۸۸ را تکرار کنند... معقول‌ترین سخنران این نشست صادق خرازی بود. او[خرازی] گفت: تندروی باید از اصلاحات برود."

ترکیب حاضران در "همایش سراسری اصلاح طالبان" و بیانهٔ پایانی آن، که تهی از خواست‌های مردم و واقعیت‌هاست، تأمل‌انگیز است، و وضعیتِ صحنهٔ سیاسیِ کشور و چگونگیِ توازن نیرو در آستانهٔ آغاز کارزارِ انتخابات مجلس دهم را نشان می‌دهد.

شکل بسیار محافظه‌کارانهٔ برگزاری "همایش سراسری اصلاح‌طلبان" و گرایشِ بارز آن به جناح روحانی - رفسنجانی و وابستگی آن به این جناح، این واقعیت را آشکار می‌کند که تلاش برای مهندسی "اصلاحات" و تقلیل آن به "اعتدال‌گرایی" در بینِ طیفی از "اصلاح‌طلبان"، هدفِ سازمان‌دهندگانِ این "همایش" بوده است. محتوای بسیار ضعیف و تهی از خواست‌های بی‌درنگ مردم نیز نشان می‌دهد که تنها نوع "اصلاح‌طلبی" تحمل‌شدنی برای "نظام"، "اصلاح‌طلبی"ای است که خواستار "تغییر" نیست. به‌عبارت‌دیگر، تنها "اصلاح‌طلبیِ" مجاز، از جنسِ "اصلاح‌طلبی"ای بی‌خطر، برای حکومت ولایت، است که تمکین به اوامر "مقام معظم رهبری" را به‌طورِمستقیم و دائم می‌باید ابراز کند. برای مثال، می‌توان به بخشی از بیانیهٔ پایانی این گردهمایی اشاره کرد که در آن، برای بیانِ اعتراض به نقضِ قانون اساسی ، در مجلس، مجبور است - برخلافِ واقعیت موجود- به‌مداحیِ علی خامنه‌ای بپردازد و از این دیکتاتور نمادی قانون‌گرا ترسیم کند: "در نظامی که قانون اساسی و مقام رهبری، صراحتاً بر حق نقد و نظر و نظارت همگانی بر همهٔ اجزای ارکان و مسئولیت‌های نظام تأکید دارند جای تعجب است که در عالی‌ترین نماد و مظهر اعمال اراده ملت، یعنی مجلس شورای اسلامی، نمایندگان نتوانند از حق قانونی خود برای طرح دیدگاه‌هایشان استفاده نمایند." درصورتی‌که برای همگان بسیار روشن است که نقضِ قانون اساسی و فرا قانون بودنِ "مقام رهبری"، به‌خصوص در صحن مجلس، اصل و رکن عادی این "نظام" است. این جنسِ "اصلاح‌طلبی "با صادر کردن بیانیه‌هایی این‌گونه، به‌قصد ملحق شدن به کاروان "اعتدال‌گرایی"، لازم می‌داند نسبت به "جنبش سبز" ابراز توبه کند و، درنتیجه، مسئلهٔ پایمال کردن خشن و خونین قانون اساسی و رأی مردم در جریان کودتای انتخاباتی ۱۳۸۸ به‌وسیله "مقام رهبری" را به طاق فراموشی بگذارد. این نوع "اصلاح‌طلبان"ی که در پیِ گرفتنِ سهم در قدرت‌اند، صدور "حکمِ حکومتی "برای خارج کردنِ "لایحهٔ مطبوعات "از دستورکار مجلس ششم به‌هدف متوقف کردن تلاش در جهت آزادی مطبوعات به‌وسیله "مقام رهبری" را دیگر مسئله قابل یادآوری نمی‌دانند و بنابراین و بنا بر مصلحتِ وقت، بهتر می‌دانند که آن را نیز به‌فراموشی بسپارند.

با نزدیک شدن زمان شروع کارزار انتخابات مجلس دهم، می‌توان دید که این کارزار انتخاباتی آتی به عامل محرکه‌ای در صحنه سیاسی کشور برای کنش‌ها و واکنش‌ها بینِ نیروها و شخصیت‌های سیاسی تبدیل شده است، و هر یک از این نیروها و شخصیت‌ها در تلاش‌اند تا در چارچوبِ پیرایش جدید- که به‌دنبال برآمدنِ دولت حسن روحانی در روبنای سیاسی به‌وجود آمد- نقشی مشخص برای خویش تعریف کنند.

بیش از یک سال و نیم از انتخابات خرداد ۱۳۹۲ می‌گذرد و در طول این مدت، تحول‌های مهمی رخ داده‌اند که شخص حسن روحانی- در زیر سایه و حمایتِ "رهبری" در مقام عامل تعیین‌کننده- در مرکز این تحول‌ها بوده و عمل کرده است. در این ارتباط، بسترسازی برای "تداوم نظام" از طریق تعامل با آمریکا در ازایِ تخفیف تحریم‌های مالی، یکی از شاخص‌ترین حرکت‌های حسن روحانی- با حمایت صریح علی خامنه‌ای- بوده است که موقعیت روحانی و جناح رفسنجانی را در هرم قدرت مستحکم کرده است. ازاین‌روی، یک مؤلفهٔ اصلی برپایی اتحادهای مرئی و نامرئی- و همین‌طور تنش‌ها- بینِ جناح‌ها و شخصیت‌ها در بطن کارزار انتخاباتی مجلسِ آتی، برآمده از درجه نزدیکی یا دوری، حمایت و یا مخالفت کردن، با حسن روحانی است.

به‌غیراز بورژوازیِ بوروکراتیکِ پرقدرت، یعنی فرمانده‌های ارشد سپاه و بسیج، بقیهٔ مجموعهٔ جناح‌های قدرت- از طیف اصولگرایان تا بخش‌هایی از اصلاح‌طلبان- درحال میزان کردن موضع‌گیری‌های سیاسی‌شان در چارچوبِ سیاستِ پیوستن به "اعتدال"اند. ازاین‌روی، نزدیک شدن و یا ادغامِ بخش‌هایی از اصول‌گرایان با اصلاح‌طلبانِ مطیع- که از چند سال پیش صحبت از وفاق آنان درمیان بوده است- به‌دوراز انتظار نیست، و"همایش سراسری اصلاح‌طلبان" در حقیقت قدمی عملی برای "اجماع" در جهت آن چیزی است که انگیزهٔ مشارکت اصلاح‌طلبان در"قدرتِ رسمی" عنوان و ترویج می‌گردد.

بررسی و تحلیل کنش‌ها و چالش‌های فرمانده‌های ارشد سپاه و بسیج خارج از موضوع این نوشتار است، ولی در اینجا ضروری است که بگوییم: به‌دلیل پیرایش روبنای سیاسی حاصل از ظهور پدیدهٔ دولت "اعتدال" و فرایندِ گریزناپذیرِ منقبض شدنِ نقش و نفوذ جمهوری اسلامی در منطقه خاورمیانه، عملاً سپاه و موقعیت فرمانده‌های ارشد سپاه را در شرایط کنونی با چالش‌ها و تضادهای جدی روبه‌رو ساخته است،زیرا آنچه رژیم ولایی، با تائید "رهبری" (در قالب "نرمشِ قهرمانانه") مجبور به قبول آن شده است همانا از دست دادن نفوذ بلامنازع نظامی، سیاسی و اقتصادی است. رده‌های فوقانی سپاه و بسیج از پیرایش جدید روبنای سیاسی حاصل از ظهور حسن روحانی رضامند نیستند و در روند به‌وجود آوردنِ توازن نیرو در پرتو "اعتدال‌گرایی" خواهان حفظ و تحکیم مواضع خود هستند، ازاین‌روی، در قامت نیروهای فشار و تندرو به‌منظورِ سهم‌خواهی، در راه دولت سنگ‌اندازی می‌کنند و خواهند کرد. نابودیِ اصلاح‌طلبانِ مبارز، هدفی راهبردی برای سپاه و بسیج بوده است. اینکه فرمانده‌های سپاه و بسیج، برخلاف خواست ولی‌فقیه،"کاروان اعتدال‌گرایی" را به هم بزنند و فراخوانِ علی خامنه‌ای با مضمونِ وحدت و "عزت ملی" را بخواهند با مشکل روبه‌رو سازند، بسیار بعید به‌نظر می‌رسد. بنابراین، برخلاف خوش‌بینی و خوشحالی آن دسته از تحلیل‌گران مانند صادق زیباکلام و برخی سخنران‌های حاضر در "همایش سراسری اصلاح‌طلبان"، که برگزاریِ این همایش را پیروزی و قدمی به جلو قلمداد

ادامه در صفحه ۷

رژیم ولایت‌فقیه، و چارچوبِ سیاست‌های اقتصادیِ "دولت روحانی"

بحث دربارهٔ چگونگیِ برون‌رفت از اوضاع دشوار اقتصادی و بحران فزایندهٔ کنونی و ارتباط آن با تحول‌های صحنهٔ سیاسی کشور، و نیز تعیین سیاست‌های مؤثر و واقع‌بینانه در مقطع زمانی کنونی، از مهم‌ترین و مطرح‌ترین بحث‌های جاری در میهن ماست. این امر، باتوجه به انتخابات آیندهٔ مجلس و صف‌بندی سیالِ جناح‌های حکومتی در این مرحله اهمیتی دوچندان دارد.

*** سیاست‌های اقتصادیِ "دولت"، و راهبردِ "رژیم":**

همزمان با انتشار آمارهای رسمیِ بانک‌مرکزی جمهوری اسلامی و برآوردهای "مرکز آمار" در خصوص بیکاری و ناتوانیِ بارز دولت "تدبیر و امید" در حل این معضل، حسن روحانی با حضور در نخستین همایشِ اقتصاد ایران، ضمن ایراد سخنرانی پیرامون مشکلات متعدد عرصهٔ اقتصادی، رئوس و چارچوبِ برنامه‌های اقتصادی‌اجتماعی و هستهٔ اصلیِ آن را باردیگر توضیح داد و بر آن‌ها تأکید کرد. روحانی اعلام داشت: "در کشور ما چه بخواهیم و چه نخواهیم دارای اقتصادی تلفیقی است با سیاست خارجی، سیاست داخلی و... درواقع اقتصاد ما بیشتر سیاسی است تا اقتصادِ محض... اقتصاد باید از انحصار نجات پیدا کند، اقتصاد باید در صحنهٔ رقابت حضور پیدا کند و از بیماری رانت خلاص شود."

او در بخش دیگری از سخنانش، با اعتراف به فسادِ ریشه‌دار رژیم ولایت‌فقیه، خاطرنشان ساخت: "اگر شفافیت در کار بود... با فساد هم توانستیم مقابله کنیم، با فسادی که همه‌جا ریشه دوانده... اما اقتصاد ما به‌گونه‌ای است که برای آن باید ملاحظات بسیاری را مدنظر قرار داد... تورم با ارزان شدن دو مقولهٔ کاملاً متفاوت است [!] رشدِ اقتصادی مهم‌تر از مهارِ تورم است، رشدِ اقتصادی شروع شده اما مهم استمرار آن است."

اما مهم‌ترین بخش سخنان روحانی در همایشِ اقتصاد ایران، عبارت بود از: "اشکال ندارد با فلان جناح و حزب رقابت کنید، سال آینده سال انتخابات است و از الآن نیز نسیم آن می‌وزد اما در مسائل ملی ما رشد پایدار می‌خواهیم... در توافق هسته‌ایِ ژنو مگر آرمان و اصول معامله کردیم... تمام این مذاکرات این است که پلی میان خواست ما و خواست آنان وصل شود... مثلاً ما بگوییم الآن فلان غنی‌سازی را که نیاز نداریم، تولید نمی‌کنیم، آرمان‌هایمان زیر سؤال رفته است؟ آرمان ما به سانتریفیوژ وصل نیست... مگر نهادها می‌شود که جداجدا از یکدیگر کار کنند، ما باید از سیاست‌های رهبری پیروی کنیم... شرایط منطقه و جهان به ما حکم می‌کند که وحدت و اتحاد بیشتری داشته باشیم... اقتصاد ما با اقتصاد دولتی درست نمی‌شود... نیاز به یک وفاق برای عبور از پیچ داریم و اگر این وفاق حاصل شود، می‌توانیم به رونق برسیم... اگر چنین شود، مذاکرات هسته‌ای ما بهتر پیش خواهد رفت... " [خبرگزاری مهر، ۱۴ دی‌ماه ۹۳].

روحانی در خلال این سخنرانی بحثِ همه‌پرسی را نیز پیش کشید، که نشانهٔ آشکاری از فعل‌وانفعالات جدی در درون حاکمیت و سمتِ حرکت آن است. درواقع، هستهٔ اصلی و کانونِ موضع‌گیری‌های روحانی در همایش اقتصاد ایران، به مذاکرات هسته‌ای و چگونگیِ ادامه آن مربوط بود. مانور سیاسی روحانی بر همه‌پرسی، نشانگر این واقعیت است که چالش‌های پیش‌رویِ نظام در مسئله‌های مختلف، نگرانی سران رژیم را برانگیخته است و آنان را به مانورهایی در این زمینه باهدف و سمتی معین وادار کرده است. در این زمینه، روحانی با تکیه به حمایت‌های ولی‌فقیه و ضرورت حل‌وفصل هرچه سریع‌تر مسائل هسته‌ای و با توجه به تنگناهای جدی به‌ویژه در عرصهٔ اقتصادی، سیاست تهاجمی‌تری را با محاسبه‌یی معین درپیش گرفته است و سخنان ظریف، وزیرخارجه، مبنی بر اینکه در ۲۲ بهمن یا فروردین‌ماه توافق جامع هسته‌ای احتمالاً صورت می‌گیرد، مؤید این واقعیت است.

به‌علاوه، آنچه روحانی با تأکید بر آن پافشاری می‌کند، ادامهٔ اجرایِ سیاست و برنامه‌های ضدمردمی اقتصادی‌ای نظیر آزادسازی اقتصادی و خصوصی‌سازی است. ما قبلاً نیز اشاره کرده بودیم که، رژیم در چارچوبِ راهبردِ احیای مناسبات با غرب، از سیاست‌های اقتصادی‌اش همچون برگ‌برنده‌یی به‌منظور نشان دادن "حسن نیت" و جدیتش در بازسازیِ روابط با امپریالیسم بهره می‌برد. برنامه‌های اقتصادی، مکمل و بخشِ جدایی‌ناپذیر راهبردِ کنونی رژیم ولایت‌فقیه برای بازسازیِ مناسبات با آمریکا و اتحادیهٔ اروپا و به‌طورکلی امپریالیسم جهانی است. اصولاً میانِ این برنامه‌های اقتصادی‌اجتماعی با آماج‌های سیاسی حاکمیت رابطه‌یی متقابل، تنگاتنگ، و ناگسستنی برقرار است.

موضع‌گیری‌های روحانی در خصوص پروندهٔ هسته‌ای و سیاست‌های اقتصادی درحالی صورت گرفته است که کلیهٔ آمار و ارقام حاکی از ژرفشِ شکافِ طبقاتی، سقوطِ قدرت خرید مردم- به‌ویژه کارگران و زحمتکشان- و رشدِ نرخ بیکاری همراه با نابسامانی اساسی و بحران در عرصهٔ تولیدی است. برای نمونه باید به گزارش اخیر بانک‌مرکزی پیرامون افزایشِ فاصلهٔ طبقاتی در سال ۹۲ اشاره کرد. خبرگزاری ایسنا، ۱۳ دی‌ماه، گزارش داده بود: "چندی پیش در گزارش بانک مرکزی از تحولات سال ۱۳۹۲ آمده بود که ضریب جینی (شاخص سنجش میزان نابرابری در توزیع درآمد یا ثروت) از ۰/۳۸۳۴ در سال ۱۳۹۱ به ۰/۳۹۴۴ در سال ۱۳۹۲ افزایش یافته است. بنابراین گزارش درحالی با رشد ضریب جینی این‌گونه برآورد می‌شود که توزیع عادلانهٔ درآمد در سال گذشته کمتر شده است [بخوان: توزیع ناعادلانهٔ درآمدها ابعاد وسیع یافته است]. همچنین در لایحهٔ بودجهٔ سال ۹۴، باتوجه به کاهش درآمدهای نفتی، بار صرفه‌جویی- به‌بیان روشن‌تر، بار ریاضت اقتصادی ناشی از کاهش درآمدهای ارزی- بر دوش زحمتکشان گذاشته شده است. در لایحهٔ بودجه، اعتبارات تخصیص‌یافته برای حقوق و دستمزدها با کاهش روبه‌رو شده و می‌باید سال دشوارتری را برای توده‌های محروم و مجموعهٔ زحمتکشان فکری و یدی انتظار داشت. مطابق گزارش‌های رسمی، خط فقر در خانوار ۵ نفره در شهر تهران، بیش از ۳ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان است.

به‌عبارت‌دیگر ، روحانی مجموعهٔ سیاست‌هایی را در عرصه اقتصادی‌اجتماعی مورد تأکید قرار می‌دهد که درواقع اجرایِ آن‌ها- در طول بیش از دو دههٔ اخیر- شکل‌گیریِ رانت‌خواری و درنتیجه فسادِ مالی در ابعاد شگفت‌آور را سبب گردیده است. مگر نه اینکه معضل‌های کنونی و بحران اقتصادی‌ای که گلوی توده‌های محروم جامعه را هر دم بیشتر درخود می‌فشارد، ازجمله فسادِ ریشه‌دار یا به‌قول روحانی "فسادی که همه‌جا ریشه دوانده"، با اجرای برنامه‌های توسعهٔ اقتصادی‌اجتماعیِ جمهوری اسلامی (که بر پایهٔ فرمان‌ها و دستورات صندوق‌بین‌المللی‌پول و بانک‌جهانی تدوین گردیده)، پدید آمده‌اند و گسترش پیدا کرده‌اند؟!

پرواضح است که سمتِ برنامه‌ها و محتوای سیاست‌های اقتصادی دولت "تدبیر و امید" و کانونِ مرکزی موضع‌گیری‌های روحانی- آن‌چنان‌که در همایشِ اقتصاد ایران بیان کرد- مجموعهٔ سیاست‌هایی برای "عبور از پیچ" بحران کنونی و حلِ مشکلات با غرب و بازسازیِ روابط با امپریالیسم باهدف حفظ و بقای "نظام" است. این مجموعه، با تحول‌های صحنهٔ سیاسی، فعل‌وانفعال‌های درون حاکمیت، و نزاع و اصطکاکِ منافع بینِ جناح‌های حکومتی دراررتباط است، از آن‌ها تأثیر می‌پذیرد، و بر آن‌ها تأثیرهای معینی می‌گذارد.

دولت روحانی، بنا به ماهیت و ترکیبش و نیز قرار داشتن در چارچوبِ رژیم ولایت‌فقیه، نشان داده است با تغییراتی که به‌سودِ منافع توده‌های محروم جامعه، حرکت به سمت تأمین و تضمین حقوق و آزادی‌های دمکراتیک فردی و اجتماعی- و مهم‌تر از همه- تحولِ ملموس و قابل‌توجه در زندگی و معیشت مردم، و گام برداشتن به‌سوی به‌وجود آوردن زمینه‌های ضروری برای برقراریِ عدالت اجتماعی همراه باشد، بیگانه بوده و است.

برنامه‌های اقتصادی‌اجتماعیِ دولت "تدبیر و امید"، بیانگر ماهیتِ طبقاتیِ دولت است. روحانی و وزیران او بارها و بارها با صراحت کامل به‌هنگام توضیح برنامه‌های اقتصادی‌شان تأکید کرده‌اند که خواستار "رشدِ اقتصادی" بر پایهٔ نسخه‌های تجویزشده از سوی صندوق‌بین‌المللی‌پول و بانک‌جهانی‌اند. تجربه سالیان اخیر در میهن ما به‌خوبی نشان می‌دهد که، نه‌تنها با این‌گونه برنامه‌ها معضل‌های اقتصادی‌اجتماعی حل نمی‌شوند، بلکه دامنه و ژرفای فقر و بی‌عدالتی افزایش یافته و می‌یابد. در چارچوبِ برنامه‌های اقتصادی‌ای مبتنی بر اولویتِ منافع مردم و دربرگیرندهٔ مرحله کنونی، نه‌تنها رشدِ مستمر اقتصادی بلکه درعین‌حال نوسازیِ اجتماعی‌اقتصادی و فرهنگی به‌سودِ اکثریت جامعه می‌باید در دستورکار قرار گیرد- اکثریتی که، کارگران، زحمتکشان شهر و روستا، قشرهای میانه‌حال، و تولیدکنندگان خُرد و متوسطِ متکی به تولید داخلی را دربر دارد. تأکید بر این ادعا که "اقتصادِ ما دولتی" است، و بر پایهٔ آن، تمامی فجایع و

ادامه در صفحه ۱۰

ادامه خصوصیات رژیم دیکتاتوری...

میهن‌مان بر اثر تحریم‌های بین‌المللی و کاهش قیمت نفت در تنگناهای اقتصادی قرار گرفته است، پیامدهای زیان بار آن را مردم زحمتکش باید تحمل کنند.

روزنامه "شهروند"، ۲۰ آبان‌ماه، در گزارشی می‌نویسد: "روستاها به‌سرعت از ایران محو می‌شوند و نسبت جمعیت روستانشینان از ۶۸ درصد درسال ۱۳۳۵ به ۲۹ درصد در سال‌های اخیر رسیده است. این در شرایطی است که روستاهای بزرگ و مولد نیز با حمایت مجلس به شهرهای کوچک بی‌امکانات تبدیل می‌شوند و براساس اعلام موسسه ملی مطالعات جمعیتی کشور درحال حاضر ۴۰ هزار روستای کشور خالی از سکنه شده‌اند." روزنامه "شرق"، ۱۹ تیرماه ۹۲ ، خبر می‌دهد: "سه میلیارددلار خرج واردات گندم شد." ایسنا، ۲۶ خردادماه ۹۲، به‌نقل از یک کارشناس کشاورزی، می‌نویسد: "نبود درآمد، کشاورزان را به حاشیه شهرها کشانده است." ایسنا، ۹ تیرماه ماه سال جاری، سخنان فرشاد مؤمنی را نقل کرده که می‌گوید: "درگیر تولید شدن با توجه به وضعیت فعلی اقتصاد کشور یک نوع مجاهدت است. ساختار فعلی اقتصاد کشور علیه تولید آرایش گرفته است. تجارت ایران در ساختار رانتی قرار دارد و پیوندهای فاسد با کانون‌های رانت منشأ مشکلات کشور شده است. تجارت ما مکمل تولید نیست بلکه بر ضد تولید است. ساختار تولید محور باعث ایجاد انگیزه کار در کشور می‌شود."

وضعیت اقتصادی و اجتماعی میهن ما با چالش‌های عمده برای زحمتکشان میهن مواجه است. با مراجعه به کلِ سخنان خامنه‌ای این مهم نیز کاملاً آشکار است، و به همین دلیل هم با یادآوریِ مرتب اینکه با شرایط مطلوب فاصله زیاد وجود دارد درعین‌حال با دروغگویی‌های بزرگ تصویر مضحکی از "پیشرفت"های رژیم ولایت فقیه ارائه می‌دهد. سخنان اخیر خامنه‌ای منعکس‌کنندهٔ واقعیت‌های موجود در میهن ما نیست، بلکه آن‌ها را تلاشی مذبوحانه برای حفظ روحیهٔ معدود هواداران این رژیم در پایگاه اجتماعی‌ای به‌سرعت درحال اضمحلال باید ارزیابی کرد. سران اصلی رژیم به‌وضوح می‌دانند که به‌لحاظِ عینی شرایط اقتصادی‌اجتماعی کشور از سال‌های پایانی رژیم منفور سلطنتی به‌مراتب وخیم‌تر است. آنچه که ادامه حاکمیت رژیم ولایی را ممکن کرده است ابعاد هولناک سرکوبِ سیاسی و به‌تبع آن، ضعف شرایط ذهنی برای شکل‌گیریِ تحولی بنیادین در جامعه است. افشای تبلیغات دروغ آمیز رژیم بر پایهٔ فاکت ها و واقعیت موجود برای محدود کردن پایگاه اجتماعی رژیم و برطرف کردنِ هرگونه توهمی نسبت به توانِ بالقوهٔ رژیم در بیرون کشیدنِ جامعه از بحران عمیق اجتماعی‌اقتصادی کنونی، و همچنین کمک به تقویتِ عاملِ ذهنی در جهتِ تحولی بنیادین، ضروری است.

در همبستگی با مبارزه کارگران ...

هشدار، حکم بازداشت ۱۸ تن از کارگران صادر شد و برخی از آنان نیز دستگیر شدند. در ۲۸ مردادماه، کارگران معدن دورِ دوم اعتصاب را در اعتراض به بازداشت دوتن از همکاران خود علی صبری و امیرحسین آغاز کردند .در ۹ شهریورماه هیئتی سیاسی-امنیتی به نمایندگی از دولت وارد مذاکره با کارگران شد. سه روز بعد، پس از آزادی کارگران بازداشت شده و لغو تصمیم انتقال سهام به بخش خصوصی، اعتصاب پایان یافت .این اعتصاب به‌طورچشمگیری حمایت کامل مردم و حتی برخی از مسئولان محلی از جمله شورای شهر و حتی امام جمعه را به همراه داشت. پشتیبانی گستردهٔ مردم و خانواده‌ها در موفقیت اعتصاب تعیین‌کننده بود .مخالفت با روند خصوصی‌سازی معدن در بخش‌های دیگر تولیدی نیز در چارچوب مبارزه کارگران ایران قرار دارد، کارگرانی که با مسئله‌هایی چون غارت دارایی‌های ملی‌شان، تعطیلی بنگاه‌های تولیدی، و از بین رفتن فرصت‌های شغلی‌شان روبه‌رویند. به تازگی ۱۵۰ کارگر کارخانه پارس واگن اراک در پی اخراج نمایندهٔ خود از سوی هیئت مدیرهٔ کارخانه دست به حرکت اعتراضی زدند و علاوه بر آن، ۷۵۰ کارگر دیگردر کارخانه به نشانهٔ اعتراض از کار دست کشیدند. کمی پیش از این حرکت، سندیکای کارگران فلزکار مکانیک پشتیبانیِ کامل و همبستگی‌اش را با این اقدام کارگران اعلام کرد و خواهان بازگشت نمایندهٔ کارگران به سر کار شد. گزارش شده است که در ۷ دی‌ماه، کارگران پس از گذشت یک هفته از حرکت اعتراضی، با وجود تهدیدهای سپاه پاسداران و دخالت نیروهای دولتی برای شکستن اعتصاب، موفق شدند حکم برکناری و اخراج نمایندهٔ شورا لغو کنند. دولت در نتیجهٔ این اقدام‌ها و دیگر حرکت‌های اعتراضی کارگری، به سردرگمی و بی‌عملی دچار شده است .ادامه تحریم‌ها اقتصاد کشور را فلج کرده‌اند . سیاست‌های اقتصادی نئولیبرالی رژیم به نابسامانی شرایط شتاب می‌بخشد .فشار بر کارگران بیش از پیش می‌شود.

معاون دبیرکل "کودیر"، در جریان دیدار مهمی در ماه نوامبر (آبان ماه جاری) با رهبری اتحادیهٔ بین‌المللی "ایندستری آل گلوبال یونیون" (Industry All Global Union)در ژنو، در مورد وخیم‌تر شدن وضعیت کارگران در بخش صنعتی به گفت‌وگو نشست. او گزارش داد: " شرایط فاجعه‌بار اقتصادی در ایران و سیاست‌های رژیم حمایت‌های مستتر در قانون کار از زحمتکشان را پس گرفته‌اند. ... میلیون‌ها کارگر ایرانی از کارفرمایان‌شان به خاطر حقوق پرداخت نشده‌شان، اخراج و نقض حقوق اولیه‌شان شکایت دارند." آقای احمدی در ادامه گفت: " در ایران بازداشت و دستگیری‌های بی‌رویه به‌صورت دائم جریان دارد و کارگران اغلب به سبب حمایت از حق سازمان‌دهی و برپایی تشکل‌های سندیکایی بازداشت می‌شوند. شکنجه برای گرفتن اعتراف امری روزمره است و زندانیان سیاسی به‌طور نظام‌مند از دریافت خدمات پزشکی محروم می‌گردند. "“کودیر" به بسیج افکار عمومی و به‌ویژه اتحادیه‌های کارگری بین‌المللی در همبستگی با کارگران ایرانی در مبارزه‌شان برای بهبود شرایط انسانی و دمکراتیک در ایران و وادار کردن رژیم به رعایت معیارهای شناخته شدهٔ جهانی و پیمان‌های سازمان جهانی کار ادامه می‌دهد.

ادامه رژیم ولایت فقیه و ...

اثرهای مخرب سه دههٔ گذشته را به‌دروغ به "اقتصاد دولتی" نسبت دادن و از این طریق سیاست‌های خانمان‌برانداز دیکته‌شده از سوی نهادهای امپریالیستی مانند سیاست‌های خصوصی‌سازی، مقررات‌زدایی، آزادسازیِ اقتصادی را "داروی حیات‌بخش" معرفی کردن، گرمیی از مشکل‌ها نخواهد گشود، و جز فقر و ورشکستگی و فسادِ مالی گسترده، همچنان که اکنون شاهد آنیم، سرانجامی نداشته و نخواهد داشت.

به‌علاوه، به مدافعانِ سینه‌چاکِ برنامه‌های نولیبرالی باید یادآور شد که، در هیچ نظام اجتماعی‌اقتصادی‌ای، بخشِ دولتی ، به‌لحاظ سمت‌گیریِ طبقاتی، پدیده‌یی بی‌طرف نیست و نمی‌تواند باشد. در هر جامعه‌یی، بخش دولتی بازتاب‌دهندهٔ آن نیروهای اجتماعی‌ای است که حاکمیتِ دولتی را به‌دست دارند. در حقیقت، خصلت طبقاتیِ حاکمیتِ دولتی و سمت‌گیری سیاسیِ آن، هدف‌ها، وظایف، و آماج‌های بخش دولتی و راه‌های دستیابی به آن‌ها را تعیین می‌کند. ماهیتِ حاکمیت، در خصلتِ بخش دولتی و فعالیت‌های آن نقش قاطع داشته و دارد. بنابراین، به‌طورعام و انتزاعی بخشِ دولتی را مقصر و بخشِ خصوصی را نوش‌داروی حیات‌بخش معرفی کردن، ترفندِ ایدئولوژی ورشکستهٔ لیبرال‌های وطنی و مدافعان سینه‌چاک بانک‌جهانی است.

رشدِ اقتصادی‌ای متناسب و مبتنی بر احیایِ تولید ملی و نوسازیِ اقتصادیِ‌اجتماعی و فرهنگی، بر پایهٔ برنامه‌های اقتصادی مترقی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های بخش خصوصی، در این مرحله، آن‌گونه که حزب ما به‌دفعات بیان داشته است، می‌تواند راه برون‌رفت از معضل‌های کنونی را مشخص کند.

در مرحلهٔ کنونی، استفاده از همه امکان‌ها برای برداشتن گام‌های معین و مؤثر به سمتِ اتحادعملِ گسترده به‌سود بازسازیِ جنبش‌مردمی و تقویت حضورِ توده‌ها در صحنهٔ سیاسی ضروری است.

حرکت به سمت سازمان‌دهیِ جنبش‌مردمی بر اساس فصل‌مشترک نیروهای سیاسی مختلف برای دست‌یابی به آزادی، عدالت اجتماعی و حق حاکمیت ملی، وظیفه‌هایی تأخیرناپذیر در برابر همه حزب‌ها و نیروهای سیاسی راستین خواستارِ سربلندی مردم و میهن ما است!

ادامه «همایش سراسری اصلاح طلبان» ...

می‌کنند، واقعیت این است که دستگاه ولایت به‌صورت آگاهانه و حساب‌شده اجازه برگزاری این همایش را داد، زیرا این‌گونه حرکت در راستای از محتوا تهی کردنِ فرایند "اصلاحات برای تغییرهای بنیادی"، نه‌تنها مجاز است، بلکه با وعدهٔ شرکت داده شدن در "قدرتِ رسمی" تشویق هم می‌شود. سپاه پاسدارانِ دیکتاتوریِ ولایت‌فقیه، هرگاه بخواهد می‌تواند به‌سهولت از این نوع گردهمایی‌ها جلوگیری کند، همان‌طور که در تدارک کودتای انتخاباتی ۱۳۸۸، همایش سراسری اصلاح‌طلبان را به‌دلایل امنیتی لغو کردند. بنابراین، یکی از پیامدهای باج دادن اصلاح‌طلبانِ مطیع، امکان شرکت داده شدنِ آنان در "قدرت رسمی" در آینده خواهد بود.

پیروی از اصل "اعتدال" در چارچوبِ التزام کامل به ولی‌فقیه، حداقل شرطی است که نحله‌هایی از اصلاح‌طلبان می‌توانند به وسیلهٔ آن اجازهٔ شرکت در انتخابات آتی مجلس در اسفندماه ۱۳۹۴ را به‌دست آورند. دستگاه ولایت به‌خوبی به این امر واقف است که برای مهندسیِ انتخابات آتی مجلس، می‌باید با مهندسیِ فرایندِ "اصلاح‌طلبی" تنها کانال موجود در شرایط کنونی برای ابراز خواست‌های مردم را مسدود کند. بر این اساس است که پدیدار شدن حزب‌های فرمایشی‌ای مانند "حزب ندا" به‌کارگردانی صادق خرازی- که برای "نظام" از نوعِ اصلاح‌طلب‌های پذیرفته‌شدنی در انتخابات آتی مجلس‌اند- را می‌باید موردنظر قرار داد. توجه باید کرد که، بر اساس "قانون" جمهوری اسلامی اعضای حزبی که غیرقانونی اعلام شده است، نمی‌توانند با همان ترکیب و مسئولیت‌ها عضو حزب جدیدی شوند. برای مثال، احیای "حزب مشارکت اسلامی" و "سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی" به‌وسیلهٔ مؤسسان و اعضای پیشین آن قدغن است، که درنتیجه، فضا را نه‌تنها برای حزب فرمایشی‌ای چون "ندا" باز نگه می‌دارد، بلکه گروه‌بندی‌ای موسوم به حزب "کارگزاران سازندگی" (که درمجموع در سرکوب‌های کودتای ۱۳۸۸ زیر ضربه نرفت) نیز حالا با حمایت و هدایت هاشمی رفسنجانی، در رقابت با حزب "ندا"، برای ماهی‌گیری از آب گل‌آلود شدهٔ "اصلاح‌طلبی" و سوءِ استفاده از سردرگمیِ برخی از "اصلاح‌طلبان"، وارد صحنه شده است.

گرایشِ بارز "همایش سراسری اصلاح‌طلبان" به "اعتدال" باهدفِ "اجماع" با برخی از چهره‌های اصول‌گرا، ازجمله حرکت‌های لازم برای ذبح "اصلاح‌طلبی برای تغییر" در مذبح رهبر معظم و یارکشی برای داشتن سهمی در"قدرتِ رسمیِ" رژیم دیکتاتوری ولایی است. همان‌طور که بیانیهٔ پایانیِ "همایش سراسری اصلاح‌طلبان" نشان داد، این یارکشی‌ها و رقابت‌هایی که بین این نوع اصلاح‌طلبانِ مطیع جریان دارد، به‌هرحال حاصل و ثمری برای مردم ندارد، زیرا دغدغهٔ آنان با مطالبات مردم ارتباطی ندارد و نخواهد داشت. نتیجهٔ نهاییِ پرورشِ "اصلاح‌طلبان مطیع" دیکتاتور، به‌غیراز مُثله کردنِ پیکرهٔ "اصلاحات" واقعی و توزیع آن در چارچوب‌های حزب‌های فرمایشی و یا گماردن‌شان به‌خدمت گروه‌های دست‌راستیِ وفادار به الیگارشی سرمایه‌های کلان چیز دیگری نیست.

حزب تودهٔ ایران معتقد است که، در شرایط مشخص کنونی، پرنفوذترین عامل ذهنی در نزد افکارعمومی، "اصلاحات برای تغییر" است - یعنی اجرایِ عملیِ اصلاحات عمیق و به‌وجود آوردن دگرگونی واقعی برای گذر از دیکتاتوری همراه با از میان برداشتنِ ساختارهای اقتصادی به‌غایت ناعادلانهٔ کنونی. ازاین‌روی، طیف مختلفی از جناح‌های قدرت، از اعتدال‌گرا گرفته تا بخش‌های "عاقل" اصول‌گرا و همین‌طور جریان‌های سیاسی متصل به جناح هاشمی رفسنجانی، درصددِ مال خود کردنِ شعار اصلاح‌طلبی و بازتعریفِ آن در چارچوبِ موردقبول دستگاه حکومت ولایت‌فقیه‌اند. در این ارتباط، فعال شدن جریان‌های موردپذیرش رژیم ولایی، مانند حزبِ "اعتدال و توسعه" که به حسن روحانی نزدیک است، در کنارِ حزب "کارگزاران سازندگی" که رفسنجانی پدر معنوی آن است، حرکتی است تاکتیکی برای پر کردن فضای خالی‌ای که قرار است با کمرنگ شدن و یا حذفِ نقش "اصلاح‌طلبانِ مبارز" به‌وجود آید.

حزب تودهٔ ایران معتقد است که، می‌باید از هم‌اکنون با حرکت‌های سازمان‌یافتهٔ حکومتی و غیرحکومتی برای مهندسیِ انتخابات مجلس دهم (اسفندماه ۱۳۹۴) به‌مبارزه برخاست. ما معتقدیم که اقدام متحد نیروهای ملی- دموکراتیک در مسیر اصلاحاتِ واقعی در نقطهٔ عطف کنونی، می‌تواند جنبش‌مردمی را در موقعیتی ویژه و تاریخی برای به‌وجود آوردنِ تغییرهای آینده‌ساز قرار دهد. در این ارتباط، باردیگر بر ضرورت حرکت متحدِ نیروهای خواهان "تغییرهای واقعی" به‌هدفِ جلوگیری از سوءِاستفاده از افکارعمومی به‌وسیلهٔ مهندسیِ فرایندِ اصلاحات و پرورشِ اصلاح‌طلبانِ مطیعِ دیکتاتور، تأکید می‌کنیم.

سنگاب

در سوگ «زندیقی های» چارسوی سپهر و «سرنوشت تلخ» آنان

به تشنگان
چکه چکه
سودای سرنوشت نوشاندن
خواهندگان، واخواستگان
گام گام
به خرابات خوار خراماندن
بر دوش شکستگان، خم شدگان
بار بار
جادوی جهنم آواراندن
خوشه های شوق به شیدها
تکه تکه
بر تبرهای ترس سایاندن،
این سان بوده و هست
سحر سنگ آبه ای
- و نه چشمه ای -
که دانه ها و دانش ها
به زهر ظلمات آلوده ست
تا آسمانیان
بر زمین ورز
«سرنوشت تلخ» فروبیزند.

چه دریغ!
نه به جوی ها خاکی
نه به آب ها جوشی
نه به دارها بالی.

ب. آ. آبگین، دیماه نود و سه

سنگاب یا سنگ آبه ، ظرفی در تکایا که تشنگان از آن آب نوشند

واخوستگان: معترضان
شید: خورشید
زمین ورز: زمین حاصل خیز
بیزیدن: غربال کردن
دار: اینجا درخت

ادامه خصوصیات رژیم دیکتاتوری ...

سیاه و خفقان عجیب علیه مردم، با قساوت‌آمیزترین روش‌ها [بود] که ممکن است در جاهای دیگری از کشورها هم وجود داشته باشد. در اینجا خود ما از نزدیک مشاهده کردیم که چه می‌کردند و چه رفتاری داشتند با آحاد مردم؛ هم در دوران رضاخان که گذشتگان ما، بزرگ‌ترهای ما آن را دیده بودند و برای ما نقل کردند، هم در دوران اخیر، که خود ماها، آحاد مردم، در میدان بودیم. جوان‌ها البتّه آن دوران را ندیدند. حرفهای فراوان و موثّق [وجود دارد] از آنچه این‌ها با مردم، با مبارزین و با کسانی که انتقاد داشتند - ولو انتقادهای اندک - داشتند انجام می‌دادند؛ رفتارهایی که این‌ها می‌کردند، آن شکنجه‌ها، آن فشارهای عجیب و غریبِ جسمی و روحی، آن زندان‌های مخوف، که امروز برخی از نشانه‌های آن‌ها هست که افراد می‌روند می‌بینند تعجّب می‌کنند."

علی خامنه‌ای با اینکه واقعیت‌هایی از دوران رژیم پهلوی را بر زبان می‌آورد، اما با فرو بردن سر خود در برف دچارِ همان توهم معروف شده و گمان می‌برد دیگران وی را نمی‌بینند. تقریباً بر هیچ‌کس پوشیده نیست که بجز دوران کوتاهی پس از پیروزی انقلاب، روند نقض آشکار حقوق بشر و حذفِ مخالفان توسط حکومت جمهوری اسلامی، با شیوه‌های گوناگون لاینقطع ادامه داشته است. در این روند، توده‌های مردم به‌کرات اِعمال خشونت‌های بی‌شمار از سوی اجیرشدگان رژیم فقاهتی بر ضد نیروهای مترقی و فعالان سیاسی مخالفِ ارتجاع را شاهد بوده‌اند. به‌کار بردن این شیوه‌های وحشیانه که اوج آن در تابستان ۶۷ جان هزاران زندانیان سیاسی را گرفت حتی تا مقطع کنونی هم ادامه دارد. نگاهی اجمالی به گزارش‌های مکرر و انتشاریافته از سوی منابع سازمان‌های بین‌المللی مدافع حقوق بشر نشان می‌دهند که هم اکنون هم زندانیان گرفتار در بندِ این رژیم زیر شدیدترین فشارها و در زندان‌های مخوف سپاه و وزارت اطلاعات شکنجه و بازجویی می‌شوند و فشارهای گوناگون بر زندانیان حتی پس از مراحل بازجویی و تعیین مدت حبس نیز به‌طورمستمر ادامه می‌یابند. بسیاری از زندانیان سیاسی‌ای که تجربهٔ اسارت در دوران حاکمیت هر دو رژیم را داشته‌اند گواهی می‌دهند که شکنجه‌های فیزیکی و روانی در دوره رژیم ولایت فقیه از همه نظر برای زندانی جهنمی را به‌وجود می‌آورد که مرگ بر آن ترجیح دارد. اغراق نیست اگر گفته شود که شدت فشارها و نحوهٔ شکنجه‌ها و اِعمالِ خشونت‌های انجام‌گرفته در طول سی و چند سال گذشته در تاریخ معاصر میهن ما بی‌سابقه بوده است و علی خامنه‌ای، در مقام اصلی‌ترین فرد که این فرمان‌ها را صادر می‌کند، بهتر از هر کس دیگر بر این امر واقف است اما همچنان با گستاخی بر این واقعیت سرپوش می‌گذارد و به‌کارگیریِ شیوه‌های وحشیانه در سرکوب مخالفان را از خصوصیات رژیم سابقِ عنوان می‌کند.

سخنان ولی فقیه رژیم محدود به همین یک مورد نیست. او در جایی دیگر می‌گوید: "انواع فساد، از فسادهای جنسی بگیرید که مبتلابهِ تقریباً همهٔ دربارِی‌ها و دوروبری‌ها و مانند این‌ها بود که دیگر حالا داستان‌هایش شرم‌آور است. آن روز خیلی از آحاد مردم هم می‌دانستند، اگرچه جرأت نمی‌کردند بر زبان بیاورند. گاهی از قلم خارجی‌ها درمیرفت، چیزهایی را می‌گفتند فساد جنسی، فساد مالی، نه فقط در سطوح متوسّط که هر وقتی ممکن است پیش بیاید؛ نخیر، در عالی‌ترین سطوح کشور. از طرف شخص محمّدرضا و دوروبری‌هایش، بالاترین فسادهای مالی، بزرگ‌ترین رشوه‌ها، بدترین دست‌اندازی‌ها، خباثت‌آلودترین فشارها بر منابع مالی ملت به‌وجود می‌آمد. برای خودشان ثروت درست می‌کردند به قیمت فقیر کردن مردم و بیچاره کردن مردم. فساد، فساد جنسی، فساد مالی، اعتیاد، ترویج اعتیاد و ترویج موادّ مخدّر صنعتی به‌وسیلهٔ عناصر اصلی حکومت آن روز در ایران به‌وجود آمد و اتّفاق افتاد."

به‌نظر می‌رسد علی خامنه‌ای عامدانه فراموش کرده که از هنگام برپایی جمهوری اسلامی تا کنون میهن ما شاهد شماری از بزرگ‌ترین فسادهای افشا شده در تاریخ کشور بوده است که در تمامی موارد بدون استثنا ردپای مقام‌های بالای حکومتی در آن محرز شده است. همین هفته گذشته محمدرضا رحیمی، معاون اول احمدی نژاد، به دلیل فساد مالی به چندین سال زندان محکوم گردید. روزنامه "شهروند"، ۲۸ دی‌ماه، به‌نقل از اسحاق جهانگیری، می‌نویسد: "بر اساس تدبیر دولت گذشته و برای کنترل قیمت ارز، میلیاردها دلار از پول کشور را در قالب حواله یا پول نقد به صرافی‌های دوبی و استانبول فروختند و ظرف ۱۷ ماه، ۲۲ میلیارد دلار پول کشور به خارج صادر شد."

ابراهیم آقا محمدی، نمایندهٔ مجلس، در گفت‌وگو با سایت "تابناک"، ۲۵ اردیبهشت‌ماه، در اشاره به زمینه‌های شکل‌گیریِ فساد در بین حکومتیان، می‌گوید: "بسیاری از فرزندان مسئولین و خودِ آنان که فراغت پیدا کرده بودند به سمت فعالیت‌های اقتصادی سنگین رفتند و با توجه به جایگاه‌هایی که داشتند، گرفتن امکانات و تسهیلات برای این‌ها بسیار آسان بود، به‌گونه‌ای که هر که به بهانه سازندگی می‌توانست ورود کند و بخشی از بیت‌المال را به دست درآورد؛ با این توجیه که دارد فعالیت اقتصادی می‌کند و به بهانه اینکه بخش خصوصی باید فعال شود، بار خود را بستند و به این ترتیب، آرام آرام رقابت زراندوزی و ثروت اندوزی در میان خانواده‌های مرتبطین با نظام و برخی از مسئولین باب شد."

علی خامنه‌ای همچنین در جایی دیگر می‌گوید: "یک‌روزی همهٔ ثروت این کشور صرف تعدادی خانواده‌های اشرافی [می‌شد] و احیاناً سرریز آن به چند شهر بزرگ می‌رسید؛ امروز اقصی نقاط کشور برخوردار از خیرات این حرکت عظیم، حرکت به سمت عدالت اجتماعی، حرکت به سمت اخلاق اسلامی [وجود دارد]."

در مورد عدالت اجتماعی گزارش‌های مختلفی وجود دارد. ایلنا، ۱۳ تیر ماه، گزارش می‌دهد: "۳۱ درصد خانوارها زیر خط فقر هستند." روزنامه تعطیل‌شدهٔ "تهران امروز"، ۱۴ اردیبهشت‌ماه ۹۲، در تیتری می‌نویسد: "از سال ۸۴ سالانه ۲ درصد از جمعیت زیر خط فقر رفته‌اند." ایلنا، ۲۵ تیرماه، به‌نقل از ربیعی، وزیر کار، می‌نویسد: "با فقر "مطلق" برخی افراد جامعه روبرو هستیم." نیاز به توضیح نیست که انبوهی از گزارش‌های مختلف وجود دارد که نه‌تنها بر بهبودِ عدالت اجتماعی دلالت نمی‌کند، بلکه حالتی بحرانی نیز پیدا می‌کند، که اشاره به تمامی موارد آن در گنجایش این نوشته نیست. اما علی خامنه ای باز هم در این مورد به دروغ پردازی و معکوس جلوه دادن واقعیت‌های امروزی جامعه ما دارد.

علی خامنه‌ایِ به سخنان خود ادامه می‌دهد و در مورد پیشرفت علمی کشور می‌گوید: "این ملّت پیشرفت علمی کرده است، اینکه ادّعای ما نیست، این را دشمنان ما، پایگاه‌های علمی بین‌المللی دارند شهادت می‌دهند؛ آن‌وقت یک عدّه‌ای بیایند انکار کنند، ملّت را تحقیر کنند؛ این‌ها خطا است، ندیدن آن حرکت عظیم و پیشرفت بزرگی که نظام مقدّس اسلامی برای این کشور پیش آورده است." در مورد پیشرفت های علمی باید گفت که در کشوری که آموزش و پرورش و آموزش عالی آن در بند عقاید قرون وسطایی اسیر است چگونه می توان از پیشرفت علمی داد سخن داد. رییس مرکز آمار آموزش و پرورش با اعلام آخرین آمار دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل، می‌گوید: "طبق آخرین گزارش ارسالی از سوی استان‌ها، ۱۴۱ هزار دانش‌آموز بازمانده از تحصیل وجود دارد که این آمار در حال بررسی است" (ایسنا، ۸ اردیبهشت‌ماه ۹۲). همشهری آنلاین، ۳۰ بهمن‌ماه ۹۱، به نقل از علی باقر زاده، رئیس نهضت سواد آموزی، گزارش می‌دهد: " ۳۰ میلیون نفر از جمعیت ایران بی‌سواد و کم سوادند." ایلنا، ۱ خردادماه ۹۲، از قول همین مقام، می‌نویسد: "بالغ بر ۹ و نیم میلیون نفر در کشور بی‌سوادند." روزنامه خراسان، ۱۰ مهرماه ۹۲، می‌نویسد: "سایه بی‌سوادی بر سر ۱۴ درصد از کودکان زیر ۱۰ سال." ما از درج جزئیات محتوای گزارش‌های آمده صرف‌نظر کرده‌ایم، اما لازم به‌یادآوری است که این آمار تماماً از سوی کسانی ارائه شده که مسئولیت‌هایی در ارتباط با حوزه‌های مورد نظر داشته‌اند و اتفاقاً رشد آمارهای موجود را به‌دلیل فقر و تنگدستی خانواده‌ها عنوان می‌کنند که خود چشم انداز نگران کننده‌ای از عدالت اجتماعی در میهن را ترسیم می‌کند، یعنی وضعیتی که علی خامنه‌ای سعی در کتمان آن دارد.

علی خامنه‌ای در ادامهٔ افاضاتش می‌گوید: "این‌ها به جای کشاندن کشور به سمت احیای تولیدات داخلی و منابع حقیقی یک ملّت، مردم را با پول نفت عادت دادند به واردات؛ ذائقه مردم را عوض کردند؛ کشاورزی کشور را نابود کردند، صنایع واقعی و ملّی کشور را از بین بردند، کاملاً کشور را وابسته کردند به خارج و به دشمنان این ملّت." در رابطه با این قسمت از اظهارات ولی‌فقیه سیاه اندیش و جنایتکار رژیم باید اذعان کرد که، پس از سی و پنج سال از انقلاب شکوهمند بهمن ۵۷ که ازجمله خواست‌های اصلیِ مردم در آن، هموار کردن راه برای قطعِ وابستگی به کشورهای خارجی و تقویتِ تولید داخلی بود، ما تا کنون هیچ تحولِ تعیین‌کننده‌ای را در این زمینه شاهد نبوده‌ایم. تنها اقدام مهمی که در طول تمامی این سال‌ها انجام گرفته است لفاظی‌هایی مشابه سخنان ولی‌فقیه رژیم بوده است و هم اکنون هم که

ادامه در صفحه ۱۰

در همبستگی با: مبارزهٔ اعتراضی و حق‌طلبانهٔ کارگرانِ ایران

همزمان با رشد جنبش اعتراضی کارگران و زحمتکشان میهن‌مان برای دستیابی به خواست‌های برحق و قانونی‌شان، جنبش جهانی همبستگی با مردم ایران اوج تازه ای پیدا کرده است. بازتابِ به‌موقع مطبوعاتی و تبلیغاتیِ اعتصاب‌های مهم کارگری در کارخانه های "واگن پارس اراک"، "ایران خودرو"، "زامیاد خودرو"، "معدن آق‌دره" در حومهٔ تکاب آذربایجان، "معدن زغال سنگ سنگرود" در گیلان، در دو ماهه گذشته، در محفل‌های سندیکایی و اتحادیه‌های کارگری جهان به موجی از اقدام‌های اعتراضی و همبستگی دامن زده است. سندیکاهای مستقل کارگری در ایران و ساختارهای همبستگی فعال و هدفمندی نظیر "کمیته دفاع از حقوق مردم ایران" ("کودیر") نقش برجسته‌ای در برپاییِ این موج جدید همبستگی با زحمتکشان ایران و به‌ویژه مزدبران داشته‌اند. "کودیر" در کارزارهای متنوع ابرازِ همبستگی، با هدف اطلاع‌رسانی و بسیج کردنِ جنبش کارگری در اروپا و آمریکای شمالی، توانسته است نقش موفقیت‌آمیزی داشته باشد.

نشریه ترقی‌خواه و چپ "مورنینگ استار" که در لندن چاپ می‌شود و نفوذ بالائی در محفل‌های سندیکایی انگلستان دارد، در نیمه نخست بهمن‌ماه، با انتشار مقاله‌یی به‌قلم خانم جین گرین، از گردانندگان "کودیر"، مبارزهٔ کارگران و سندیکالیست‌های ایران در جهتِ بهبود شرایط دشوار کار و تولید را به تصویر کشیده است. مجله "جهان هفتگی" - که در ایالات متحده و از سوی حزب کمونیست ایالات متحده منتشر می‌شود- نیز همین مقاله را منتشر کرد. ترجمهٔ فارسی این مقاله در همین شمارهٔ "نامهٔ مردم" آمده است.

انتشار یک بولتن همبستگی با کارگران ایران در ترکیه، در اواخر آبان ماه از سوی "پترول ایس"، سندیکای کارگران نفت، لاستیک و صنایع شیمیایی ترکیه، را باید واکنشی مثبت به چنین کارزاری دانست. این بولتن بسیار جالب به‌زبان ترکی استانبولی، که ۲۴ صفحه دارد، همراه با عکس‌های گویا و مقاله‌های افشاگرانه در رابطه با سیاست‌های نولیبرالی رژیم ولایت فقیه، معضل‌های اقتصادی، مبارزه‌های کارگران، و چالش‌هایی که اتحادیه‌های کارگری نوپا و مستقل ایران با آن روبه‌رو یند، کارگران ترکیه را در جریان مبارزه مهمی که در ایران برای احقاق حقوق کارگری در جریان است قرار می‌دهد. مقالهٔ اصلی، عکس روی جلد، و برخی عکس‌های صفحه‌های درونی این بولتن- که به شکلی حرفه‌ای و مسئولانه تهیه شده‌اند- از آخرین شمارهٔ نشریهٔ "ایران امروز" که به زبان انگلیسی از سوی "کودیر" منتشر می‌شود، و از نشریه نامه مردم، ارگان مرکزی حزب ما برگرفته شده‌اند.

کارزار همبستگی با معلمان اعتصابی

با اعلام اعتصاب و دست کشیدن از کار معلم‌های ایران، روزهای ۳۰ دی و اول بهمن ماه، در اقدام اعتراضیِ صنفی‌ای کم‌سابقه در ایران که از سوی آژانس‌های خبری رسمی کشور و از جمله "ایلنا" نیز بازتاب یافت، "کودیر" کارزار همبستگی با معلم‌هایی ایرانی را در صدر فعالیت‌هایِ روزهای اخیر خود قرار داده است. "کودیر" با انتشار بیانیه‌یی مطبوعاتی- که در اختیار رسانه‌های جمعی قرار گرفت- ابعاد توجه‌برانگیز این اقدام اعتراضی را، که در زمینهٔ وضع معیشتی و خواست‌های صنفی و رفاهی معلمان بود، به‌اطلاع سندیکاهای کارگری رسانید. "کودیر" در تماس با رهبران سندیکاهای معلمان، عمده‌ترین خواست‌های تشکل‌های معلمان ایران را مورد توجه قرار داد و سندیکاهای کارگری را فراخواند تا از این مبارزهٔ مهم و تعیین‌کننده فرهنگیان متعهد و آزادی‌خواه ایران حمایت کنند.

مورنینگ استار: کارگران ایران با تنگ‌تر شدن تحریم‌های اقتصادی به مقاومت می‌پردازند

با ادامهٔ تحریم‌های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی این کارگران در خط مقدم تولیدند که هزینه آن را باید بپردازند. جین گرین به چگونگیِ پاسخ

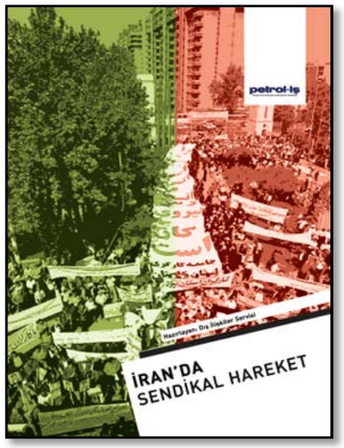

کارگران ایرانی به فشارهای جاری از سوی تحریم‌ها و سیاست‌های فاجعه‌بار رژیم تئوکراتیک می‌پردازد: به‌قدرت رسیدن حسن روحانی در انتخابات سال ۱۳۹۲، در داخل و خارج از ایران همچون نقطهٔ عطفی در وضع سیاسی ایران دانسته شد. روحانی درمقام لیبرالی پیشتاز مطرح شد که غرب می‌تواند با او معامله کند و به توافقی رضایت‌بخش در مورد برنامه هسته‌ای منازعه برانگیزِ رژیم تئوکراتیک دست یابد، که درنتیجه، روحانی می‌تواند تحریم‌های بین‌المللی را برطرف کند و به آزادسازی رویکردهای اجتماعی در ایران به سود مردم و به سود اقتصاد، بپردازد. این تصویری بود که از او ترسیم شده بود .هجده ماه پس از روی کار آمدنش، وعده‌های داده شده در آستانهٔ انتخابات، اکنون بر دوش او سنگینی می‌کنند. هیچ‌گونه نشانه‌یی مبنی بر اینکه رویکردهای اجتماعی تغییر یافته باشند دیده نمی‌شود. فعالان سندیکایی همچنان به‌طور دلبخواه دستگیر می‌شوند. زنان همچنان به‌خاطر نوع پوشش و رفتاری که" غیراسلامی "تلقی می‌شود مورد آزار قرار می‌گیرند. جوانانی که در شبکه‌های اجتماعی به فعالیت می‌پردازند با دستگیری و سرکوب روبه‌رو می‌گردند. در زمینهٔ اقتصادی هم تصویری بهتر از این نمی‌توان داد .تحریم‌های اعمال شده از سوی ایالات متحده و اتحادیهٔ اروپا با هدف گرفتن امتیازهایی از رژیم در زمینهٔ برنامهٔ انرژی هسته‌ای، همچنان تأثیری نامتناسب روی اقتصاد برجا می‌گذارند .کاهش شتابندهٔ قیمت نفت- یعنی کالایی که اقتصاد ایران به شدت بدان وابسته است- در طی سال گذشته میلادی، درآمدهای ارزی ایران را بیشتر کاهش داده و به نیروی کار به‌دستوه آمده آن فشار بیشتری وارد می‌کند.

در نتیجه، در طول ماه‌های اخیر، کارگران ایران به‌طورفزاینده‌ای موجی از اعتصاب به‌راه انداخته‌اند که رییس جمهور روحانی و دولت وی را به چالش طلبیده است .این اعتصاب‌ها خاستگاه گوناگونی دارند ولی بیشتر به‌علت تعویق در پرداختِ به‌موقع دستمزدهاست، چنان‌که در هفت تپه، مجتمع پتروشیمی بندر امام، کاشی گیلانا و کارخانهٔ گاز طبیعی عسلویه روی دادند. مسائل نگران‌کننده اساسی دیگر برای کارگران عبارتند از: تعدیل‌های گسترده، شرایط بدترشوندهٔ کاری و روی‌آوردن به هراس‌افکنی بین فعالان کارگری و نمایندگان‌شان. واقعیت امر این است که روحانی نوید داده بود تولید داخلی را افزایش می‌دهد، ولی اعتصاب‌های سراسری نشانگر ناکامی او در تحقق این وعده‌ها است.

اعتصاب کارگران معدن بافق در مرکز ایران که چند ماه پیش صورت گرفت، بازتاب‌دهنده و یادآور اعتصاب‌ها و شعارها در مورد نامناسب بودن شرایط کاری در تونل‌های معدن، اشتغال، و زندگی کارگران معدن در انگلیس در بازهٔ زمانی ۱۳۶۳ تا ۱۳۶۴ بود. در بافق ۵۰۰۰ کارگر دوبار دست به اعتصاب زده‌اند . شماری از کارگران دستگیر شده‌اند و حضور نیروهای انتظامی نشان می‌دهد اعتصاب‌ها به مسئله‌یی مشکل‌زا تبدیل شده‌اند که تنها با عقب‌نشینی دولت به پایان خود رسید .در عین حال این اعتصاب‌ها نگرانی کارگران از خصوصی سازی را نمایان می‌سازد. کارگران اعتصاب را در ۲۷ اردیبهشت‌ماه و در مخالفت با فروش سهام معدن به بخش خصوصی آغاز کردند .انتقال سهام پس از تصمیم وزیر صنایع، معادن و تجارت ایران، محمدرضا نعمت زاده، به سپردن کنترل معدن به بخش خصوصی صورت گرفت .از سال ۱۳۸۹، بیش از ۷۰ درصد سهام معدن به بخش خصوصی فروخته شده است .اطلاع‌رسانی در این مورد در اردیبهشت ماه در مورد ۲۸ %باقی‌ماندهٔ سهام‌ها بود .اعتصاب نخست تا ۲۳ تیرماه ادامه یافت و با اعلام واپسین‌هشدار دو ماهه به دولت برای پس گرفتن تصمیمش، پایان یافت .اما، در مردادماه، پیش از پایان مهلت این

ادامه در صفحه ۱۰